



The importance of the population factor in the Supreme Leader's intelligent defense strategy

Mojtaba Attarzadeh^{1*}



Abstract

The type of defense attitude of the leaders of each society forms the infrastructure of that society's defense policy. The Leader of the Islamic Republic of Iran, as the Commander-in-Chief of the Armed Forces, has recognized the existence of a large and strong population as a determining factor for increasing deterrence against threats to the country's national security in the framework of the smart defense strategy. Since the reduction of the population with the disruption in human resources as one of the factors that make up the component of national power makes it difficult to protect the religion and territorial integrity of the country in the event of an attack by ill-wishers and enemies, in this study, an attempt has been made with the method of content analysis. , the fields of recognizing the centrality of the population factor in the country's defense policy should be investigated by the Supreme Leader. The result of this research shows the neutralization of the sinister conspiracy of global arrogance to reduce Iran's defense power through the implementation of the creeping policy of population reduction, the necessity of persistence on the implementation of family consolidation policies and increasing fertility in the country and pursuing support programs to increase childbearing in order to implement the strategy. The intelligent defense of the Supreme Leader doubles the defense power of the country.

Keywords: Population; Smart Defense; Supreme Leadership Position; Power; Defense Ability.

1. Corresponding Author: Associate Professor of Political Science, Department of General Studies and Islamic Studies, Isfahan Art University, Iran mattarzadeh1@gmail.com

DOR: 20.1001.1.25381857.1402.16.60.1.5

اهمیت عامل جمعیت در استراتژی دفاعی هوشمند مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

مجتبی عطارزاده^۱

چکیده

نوع نگرش دفاعی رهبران هر جامعه، زیرساخت سیاست دفاعی آن جامعه را تشکیل می‌دهد. رهبر جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان فرماندهی کل قوا، وجود جمعیت پر شمار و قوی را به‌عنوان عاملی تعیین‌کننده جهت افزایش قابلیت بازدارندگی در برابر تهدیدات متوجه امنیت ملی کشور در چارچوب استراتژی دفاع هوشمند را لازم و ضروری تشخیص داده‌اند. از آن جا که تقلیل جمعیت با خلل در منابع انسانی به عنوان یکی از عوامل تشکیل‌دهنده مؤلفه قدرت ملی، صیانت از دین و تمامیت ارضی کشور را در صورت تهاجم بدخواهان و دشمنان دشوار می‌سازد، در این مطالعه سعی شده است با روش داده بنیاد، زمینه‌های تشخیص محوریت عامل جمعیت در سیاست دفاعی کشور توسط مقام معظم رهبری مورد بررسی قرار گیرد. نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد خنثی ساختن توطئه شوم استکبار جهانی برای کاهش قدرت دفاعی ایران از طریق اعمال سیاست خزنده کاهش جمعیت، ضرورت پایداری بر اجرای سیاست‌های تحکیم خانواده و افزایش باروری در کشور و پیگیری برنامه‌های حمایتی برای افزایش فرزندآوری به منظور اجرای استراتژی دفاع هوشمند مقام معظم رهبری جهت تقویت توان دفاعی کشور را مضاعف می‌سازد.

کلیدواژه‌ها: جمعیت، دفاع هوشمند، مقام معظم رهبری، قدرت، توان دفاعی.

۶۰



سال شانزدهم
پاییز ۱۴۰۲
صص: ۴۵-۱۱

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۰۹
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۴/۲۵
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۰
تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۰/۱۰

شاپا چاپی: ۱۸۵۷-۲۵۳۸
الکترونیکی: ۵۲۵۰-۲۶۴۵



۱. نویسنده مسئول: دانشیار علوم سیاسی، گروه دروس عمومی و معارف اسلامی، دانشگاه هنر اصفهان، ایران

mattarzadeh1@gmail.com

DOR: 20.1001.1.25381857.1402.16.60.1.5



© نویسندگان

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)

این مقاله تحت لایسنس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه و بیان مسئله

اندیشه دفاعی مقام معظم رهبری، دارای ویژگی‌ها و مؤلفه‌های منحصر به فردی است که نمونه آن را کمتر می‌توان در دیدگاه سایر اندیشمندان و نظریه پردازان دفاعی و رهبران جهان پیدا کرد. این امر ناشی از این مسئله است که فرامین، دستورها و سخنان دفاعی، امنیتی و حکومتی معظم له، به عنوان رهبری دینی و مرجعی عالیقدر برگرفته از منابع غنی اسلام و متأثر از فرهنگ اسلامی و الهی، بر پایه واقع بینی استوار است.

از آن جا که لازمه بقاء هر کشور توجه ویژه به سرمایه گذاری دفاعی به طور ادامه دار و حفظ آمادگی لازم پایدار است، چرا که در غیر این صورت خطر از میان رفتن تناسب و تعادل در ساختار امنیتی آن کشور پیش خواهد آمد و در صورتی که استراتژی "دفاع هوشمند" در یک کشور محوریت داشته باشد، آن کشور می‌تواند از قابلیت بازدارندگی در برابر تهدید تغییرات و شرایط داخلی و خارجی برخوردار گردد (برژنسکی، ۱۳۹۲: ۱۱۵)، در استراتژی دفاعی مقام معظم رهبری به این موضوع توجه خاص شده است.

به گفته راسموسن، «دفاع هوشمند بهانه ای برای مخارج دفاعی ناکافی نیست. ما ممکن است نتوانیم بیشتر هزینه کنیم، اما می‌توانیم به جای هزینه کردن نا به جا، هوشمندانه روی عناصری سرمایه گذاری کنیم که شالوده دفاعی استوارتری را شکل دهد.» بر این اساس، دفاع هوشمند راهی برای حداکثر اثربخشی و کارآیی دفاع است که از این طریق می‌توان به پی‌ریزی سیستم دفاعی اثربخش‌تر، کارآمدتر و انعطاف پذیرتر پرداخت. (هنیوس و مک دونالد، ۲۰۱۲) در واقع ابزارها و روش‌های برنامه‌ریزی و همچنین فرایندی که نتیجه عمل سیاست‌گذاری می‌شود، به شدت تحت تأثیر نحوه انتخاب ابزار و روش و عمل سیاست‌گذار است. (شئا، ۲۰۰۳: ۳۳) عدم شناخت عناصر موثر در تکوین دفاع هوشمندانه به عنوان یکی از ابزارهای هویت‌یابی و مشروعیت‌سازی سیاست دفاعی و راهبردی کشورها از جمله عنصر مهم جمعیت، سبب اختلال در روند تصمیم‌سازی و برنامه‌ریزی و نحوه به کارگیری آن‌ها در فرایند سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی یک سیاست موثر دفاعی می‌گردد.

جمعیت (از نظر ساخت، ترکیب و توزیع) یکی از مؤلفه‌های قدرت و اقتدار ملی و استحکام ساخت درونی قدرت هر کشور و رکن مهم پیشرفت و توسعه جامعه، عامل مؤثری در تقویت توان بازدارنده دفاعی کشورها بشمار می‌رود. اهمیت این موضوع از آن جاست که مسئله جمعیت یا همان منابع انسانی، اصلی‌ترین نقش را در تولید قدرت ملی ایفا می‌کند تا آنجا که از نظر استراتژیست‌ها منابع مادی (منابع زیر زمینی و رو زمینی) و نیز توان تکنولوژیک، قدرت نظامی و حتی خود سرزمین در کنار عامل جمعیت، معنا پیدا می‌کند. (روشندل، ۱۳۷۴: ۲۴)

با پیروزی انقلاب اسلامی، نظام نوینی که بر مبنای اسلام، جمهوریت را در اداره کشور در دستور کار داشت، در منطقه‌ای حساس در صحنه جهانی تحقق یافت و با توجه به آرمان‌ها، مبانی، اهداف، راهبردها و رویه‌های بنیادین خود، از ابتدا با خصومت و رویارویی قدرتهای سلطه‌گر جهانی روبه‌رو شد. دفاع از چنین نظامی با توجه به سایه سنگین تهدید دشمنان، از آغاز شکلگیری ایده انقلاب اسلامی ضرورت یافت و در دوران جمهوری اسلامی، با تشدید مقابله‌های خصمانه، پیچیده‌تر و فراگیرتر شد. از این رو، ایران با توجه به میزان آسیب‌پذیری ژئوپلیتیک منطقه، ضریب امنیتی منطقه‌ای و محیط پیرامونی خود، باید سطحی از اقدام‌های بازدارنده را در قبال تهدیدهای دشمنان به عنوان یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر در دستور کار قرار می‌داد (عسگرخانی و حق شناس، ۱۳۹۰: ۸۸) تا از مخاطره‌ها و تهدیدهای متوجه امنیت ملی خود بکاهد. بر همین اساس و با توجه به تعیین‌کنندگی بازدارندگی عامل جمعیت در این دفاع فراگیر و همه‌جانبه، اهمیت اهتمام مقام معظم رهبری به لزوم انجام برنامه‌ریزی‌های جامع برای رشد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور متناسب با سیاست‌های جمعیتی به منظور فراهم آمدن مؤلفه‌ها و شاخصه‌های اصلی در تعریف «قدرت ملی» که زیر ساخت بنیه دفاعی کشور را تشکیل می‌دهد، بیش از پیش روشن می‌گردد.

پژوهش حاضر با توجه به اهمیت عنصر جمعیت در دفاع هوشمند بر آن است تا با مبنا قرار دادن اندیشه‌های بلند مقام معظم رهبری در دو عرصه دفاع و جمعیت، به منظور پاسخ به این سوال اصلی که " چگونه افزایش جمعیت از منظر رهبری انقلاب در تقویت سیاست دفاعی کشور نقش موثری ایفا می‌کند؟"، صحت فرضیه " در استراتژی دفاع هوشمند مقام معظم رهبری که تلفیقی از دو مولفه نرم (جمعیت) و سخت (دفاع نظامی) است، رابطه مستقیمی بین جمعیت بالا (به لحاظ

کمی و کیفی) و توان بازدارنده دفاعی به منظور صیانت موثر از امنیت کشور برقرار می‌گردد" را از طریق مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای مورد بررسی قرار دهد.

لازم به ذکر است این پژوهش کیفی از نوع کاربردی- توسعه‌ای با بهره‌گیری از روش داده بنیاد انجام شده است. در این تحقیق، گفتمان مقام معظم رهبری بصورت تمام شمار مورد بررسی قرار نگرفته است؛ بلکه محقق مداخل ورود به بحث را با احصاء موارد مرتبط با موضوع در فرمایشات معظم له، مورد بررسی قرار داده است.

پیشینه تحقیق

صالح اصفهانی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله «آینده پژوهی ساختار جمعیتی جمهوری اسلامی ایران از منظر دفاعی امنیتی تا افق ۱۴۳۰» به این نتیجه رسیده‌اند از آن جاکه جمعیت یکی از مؤلفه‌های اساسی و بنیادین در شکل‌گیری و کیفیت ساختار دفاعی-امنیتی کشور است و تحولات جمعیت موجب دگرگونی ساختار دفاعی-امنیتی می‌شود، این موضوع می‌تواند حوزه دفاع و امنیت کشور را با تهدیدهایی مواجه کند.

نوروزی و تاج‌آبادی (۱۳۹۶) در کتاب «جایگاه قدرت هوشمند در سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران» معتقدند ج.ا. ایران با توجه به شرایط و تهدیدات جدید منطقه‌ای از مدل تلفیقی قدرت هوشمند که تلفیقی از مؤلفه‌های سخت (تقویت توان نظامی و اقتصادی) و نرم (تقویت دیپلماسی عمومی و قدرت سایبری) است، بهره برده است. ایران یک استراتژی «مقاومت حداکثری» مبتنی بر محور مقاومت و بازدارندگی را برای مقابله با تهدیدات منطقه‌ای اتخاذ کرده است که با توجه به شرایط و مقتضیات جدید (محدودیت‌ها، امکانات و ظرفیت‌ها) و تهدیدها و فرصت‌های موجود توانسته است بین منافع ملی و ارزش‌ها توازن و انطباق ایجاد کند.

علینی (۱۳۹۴) در مقاله «نقش جمعیت و سیاست‌های جمعیتی در استحکام ساخت درونی قدرت نظام ج.ا. ایران» بر آن است با مروری بر رابطه میان جمعیت و اقتدار (سیاسی، اقتصادی و ملی)، تحولات و تغییرات جمعیتی در کشورهای توسعه یافته غربی و چالش‌های ناشی از میزان باروری زیر حد جانشینی و پیر شدن جمعیت در این جوامع و مشکلات ناشی از آن را بررسی کند و در پاسخ به مسئله باروری زیر حد جانشینی و پیر شدن ساختار سنی جمعیت، زمینه‌ای را برای

مطالعه‌ای عمیق تر در موضوع تغییر سیاست های جمعیتی متناسب با ساختار جمعیت کنونی ایران فراهم آورد و در صورت امکان عوامل مؤثر و تسهیل کننده این کاهش شدید را مطالعه و شناسایی کند.

خاتونی و وطن خواه (۱۳۹۲) در مقاله «ارزیابی جایگاه جمعیت جوان در ساخت قدرت ملی با تاکید بر ج.ا. ایران» به بررسی جایگاه جمعیت جوان در ساخت قدرت ملی پرداخته و ضمن تجزیه و تحلیل چند مدل معتبر جهانی در سنجش قدرت ملی از ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۶ میلادی، تأثیر جمعیت جوان بر عوامل و عناصر سازنده قدرت ملی را مورد کنکاش قرار داده اند.

فروتن (۱۳۹۰) در مقاله «جمعیت، جنگ و قدرت: تجربه های جهانی و ایرانی» آورده است مناسبات جنگ و جمعیت در نظریه های جدید جمعیت شناسی بیش از آنکه در چارچوب سنتی (ملاحظات نظامی) محدود گردد، عمدتاً معطوف به قلمرو جامعتری است که نه تنها به کیفیت جمعیت بیش از کمیت آن توجه می شود، بلکه جنگ در مفهوم عام تری تحت عنوان "قدرت" (اعم از قدرت نظامی و سیاسی و اقتصادی) در عرصه های ملی و بین المللی مطرح می شود.

هر چند در مطالعات فوق، موضوع جایگاه جمعیت در منظومه دفاعی کشور از زوایای مختلف کاویده شده است، اما عامل جمعیت در رویکرد دفاع هوشمند که در استراتژی دفاعی مقام معظم رهبری نقش بسزائی دارد، مورد امعان نظر قرار نگرفته که این پژوهش در راستای تکمیل فعالیت های پیشین، به جبران این نقص اهتمام نموده است.

جایگاه عامل جمعیت در سیاست دفاعی هوشمند

دفاع، امری طبیعی و ذاتی است که جزء لاینفک وجودی موجودات به ویژه انسان است که غفلت از آن، نفی خویش را رقم می زند. در واقع، اعتنا به دفاع اعتنا به حیات است که استمرار آن را مهیا می کند. به طور اصولی، دفاع به معنای دفع کردن یا مقابله با تهدیدات موجود است. حق دفاع، حتی است مشروع، ذاتی و طبیعی که وجودش در هیچ دوره های از تاریخ مورد تردید و انکار هیچ فرد، گروه و جماعتی قرار نگرفته است. این اصل حتی در حقوق بین الملل، تحت عنوان دفاع مشروع یا حق ذاتی دفاع از موجودیت خود در برابر تهاجم، به رسمیت شناخته شده است و مورد وثوق عام است که وجوب آن حق ذاتی هر کشور مورد هجومی است.

سیاست دفاعی به منزله ارتقاء قابلیت‌های ساختاری برای تحقق اهدافی محسوب می‌شود که زمینه‌های لازم برای اجرای قدرت در محیط آنارشیک را به وجود می‌آورد و در سطح ملی، خطوط کلی اقدامات اصلی، کلیدی و فعالیت‌های نظامی کشور را مشخص می‌سازد و چارچوب راهبرد نظامی در سطح ملی را شکل می‌دهد. (جابلونسکی، ۲۰۰۴)

در واقع، سیاست دفاعی را باید بخشی از ضرورت تولید قدرت در محیطی دانست که معطوف به کاربرد ابزارهای متنوع نهادی، راهبردی و کارکردی محسوب می‌شود. (ساعد و علیدوستی، ۱۳۹۰: ۲۰) سیاست دفاعی جامعه ترکیبی از توان نظامی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است که در برابر تهدیدها قابلیت دفاع و پایداری امنیت را فراهم می‌سازد و نیروی انسانی به عنوان یکی از عوامل مؤثر در شکل‌دهی توان اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و در نهایت، توان دفاعی است (ناظمی اردکانی، ۱۳۹۳: ۷۱).

در سیاست دفاعی هوشمند، دفاع نرم مکمل دفاع سخت است، به طوری که بی‌توجهی به دفاع نرم می‌تواند دفاع سخت را تضعیف کرده و استراتژی تدافعی را به نحو محسوسی تضعیف کند و بالعکس عدم توجه به دفاع سخت و به روز رسانی تکنولوژی‌های نوین سخت‌نظامی و تجهیز آن در نیروهای مسلح نیز می‌تواند ما را در اهداف راهبردی و همچنین به کارگیری دفاع هوشمندانه در برابر تهاجم هوشمندانه دشمن دچار ضعف کند. دفاع هوشمند به معنای طراحی یک راهبرد عمل‌گرایانه مبتنی بر منابع و ابزارهای مدرن در عرصه سخت و نرم و تقارن آن دو، برای جلوگیری از سلطه‌طلبی دشمن در قرن جدید است.

دفاع هوشمند را می‌توان راهبردی مطمئن در بکارگیری تمامی ظرفیت‌ها و مقدرات موجود کشور در مواجهه با تهدیدهای بالقوه و بالفعل پیشروی نظام دانست. با عنایت به ظرفیت‌های معنایی فراوان و تجمع حوزه‌های نرم افزارانه و سخت افزارانه در آن، این مفهوم از راهبردی‌ترین سیاست‌های کلان نظام قرار گرفته است. دفاع هوشمند، در واقع دفاع از ارزش‌هایی است که مورد تهدید همه جانبه دشمن قرار گرفته است که بالطبع، دفاع همه جانبه و هوشمندانه را مطالبه می‌کند.

مقصود از «دفاع هوشمند»^۱ آن است که در طراحی سیاست دفاعی و پیشگیری از تهدیدات علیه امنیت ملی، آگاهانه موارد مؤثر در تحکیم زیرساخت توان دفاعی در اولویت قرار گیرد و در

1. Smart Defence.

طول زمان بر روی آن‌ها سرمایه‌گذاری شود. (خواجه‌پور، ۱۳۸۶: ۱۴) این اصطلاح اول بار در پیمان ناتو، به عنوان یکی از محوری‌ترین مفاهیم مطرح گردید و از سال ۱۹۹۹ در اسناد خط مشی استراتژیک^۱ ناتو گنجانیده شد. در این اسناد، تأکید گردید که اعضا درجه بالاتری از پیوند و همکاری را دنبال کنند تا آنها را قادر سازد که منابع را به گونه‌ای تلفیق کنند که بتوانند به همراه یکدیگر عمل کنند. همچنین در سند استراتژیک سال ۲۰۱۰، استفاده کارآمدتر از منابع انسانی (جمعیت) و هماهنگی بیشتر در برنامه‌ریزی دفاعی برای کاهش تکرارها و تمرکز بر توسعه قابلیت‌های جمعیتی در عرصه نیازهای مدرن، مورد تصریح قرار گرفت. (رنگ، ۲۰۱۲)

با عنایت به اینکه "مهم‌ترین عامل ژئوپلیتیک، انسان است" (عزتی، ۱۳۷۷: ۹۳)، جمعیت از عناصر مؤثر بر وزن ژئوپلیتیکی و در نتیجه "ساخت بینه دفاعی" هر کشور می‌باشد که به عنوان یک عامل مستقل در قریب به اتفاق مدل‌های سنجش توان دفاعی مورد توجه اندیشمندان، از یونان باستان تا دانشمندان امروزی بوده است. بر پایه نظرات این اندیشمندان، سیاست جمعیتی در امپراتوری‌های بزرگ باستان (روم، ایران، یونان و چین) بر مبنای افزایش جمعیت تنظیم شده بود. از نظر آنان جمعیت زیاد برابر با ارتش بزرگ بود و آن را وسیله برتری نظامی و سیاسی خود می‌دانستند. از این رو به خانواده‌هایی که صاحب فرزند می‌شدند، پاداش خانوادگی تعلق می‌گرفت. متفکر بزرگ مسلمان، ابن خلدون نیز در نظریه تغییرات دوره‌ای خود، جمعیت را به عنوان مهم‌ترین وسیله برای تامین و تضمین امنیت سیاسی و نظامی و مصون بودن در برابر تهاجمات و جنگ‌ها می‌داند. مطابق نظریه تغییرات دوره‌ای ابن خلدون، در گذشته، شکوفایی تمدنها (رشد اقتصادی و تامین و تضمین امنیت سیاسی و نظامی) و افزایش جمعیت با یکدیگر دارای ارتباط مستقیم و مثبت بودند بطوری که جمعیت در شرایط شکوفایی و رونق اقوام روبرو افزایش می‌نهاد، درحالی‌که، تنزل و فروپاشی تمدن‌ها به کاهش جمعیت منجر می‌گردید. (فروتن، ۱۳۹۰: ۳)

بی تردید «تعداد نیروهای نظامی با طول مرزهای مملکت رابطه دارد: هر قدر طول مرزهای مملکت زیادتر باشد، باید نیروهای نظامی بیشتری در دفاع از مملکت بسیج شوند». (عزتی، ۱۳۸۱: ۱۲۸) همچنین به نظر برخی خبرگان نظامی و سیاسی نیز باید تعداد نیروهای مسلح و دفاعی کشور با طول مرزها

۱. (Strategic Concept) دفاع هوشمند بر اموری استوار است که در پاراگراف ۳۷ خط مشی استراتژیک ناتو مورد توجه

قرار گرفته‌اند. (NATO, 2010:33)

متناسب باشد و هرچه مرزها طولانی تر و بحرانی تر باشند، نیروهای حفاظتی آماده و ذخیره بیشتری مورد نیاز است.

مارتین گلاستر از جمله اندیشمندان معاصر است که در شرح عوامل تاثیرگذار در سیاست دفاعی به "جمعیت، شامل: جنبه‌های کمی و کیفی نظیر تعداد، مهاجرت، سطح آموزش، سواد، توزیع ثروت، فقر، کیفیت ملت، ترکیب ملت، نخبگان، نهادهای اجتماعی، طرز فکر و علائق ملی اشاره می‌کند." (حافظ نیا، ۱۳۷۴: ۲۶۹) جمعیت از چند نظر می‌تواند به عنوان پشتوانه توان ملی در مقابله با تهدیدات احتمالی تلقی شود که شامل: منبع نیروی نظامی، منبع نیروی کار و تولید ثروت، ذخیره نیروی جنگی، سرچشمه روحیه ملی می‌گردد. (همان: ۲۷۲) از مجموع مطالب فوق می‌توان چنین استنباط نمود که "کمیت و نیز کیفیت جمعیت یک کشور، بدون شک با قدرت دفاعی و توان بازدارندگی آن ارتباط دارد." (اعظمی، ۱۳۷۶: ۱۲۹)

"درصد جمعیت در گروه سنی تولیدکنندگی که معمولاً بین ۱۷ تا ۴۵ سال است در تامین پشتوانه دفاعی اهمیت دارد؛ زیرا بالا بودن نسبت جمعیت در این فاصله سنی باعث تأمین نیروی نظامی، صنعتی و همچنین تولید نسل جدید می‌گردد. به عبارتی ترکیب سنی متوسط که اکثریت جمعیت را در خود جای داده و به عبارتی افراد در گروه‌های سنین ۱۷ تا ۴۵ سال قرار گرفته‌اند، پشتوانه قدرتمندی برای توان دفاعی کشور فراهم می‌سازند." (حافظ نیا، ۱۳۷۴: ۲۷۳) به عبارت دیگر، "هر گاه افراد بین سنین ۲۰ تا ۶۵ سال، بیش از ۳۵٪ کل جمعیت یک کشور را تشکیل دهند، این کشور از بهترین و مطلوب ترین عوامل ژئوپلیتیکی به منظور حفظ امنیت، ثبات سیاسی و توسعه اقتصادی برخوردار است و از چنین عاملی به عنوان پشتوانه استراتژیک سود می‌برد." (عزتی، ۱۳۸۱: ۹۴)

ملهم از چنین ملاحظاتی، سیاست هائی برای افزایش جمعیت پس از جنگ جهانی اول توسط هیتلر در آلمان، استالین در شوروی و موسولینی در ایتالیا به اجرا گذاشته شد که اساساً ریشه در انگیزه‌های نظامی و سیاسی داشت. در دوره حکومت استالین در شوروی، پس از پایان جنگ جهانی دوم (۱۹۳۹-۱۹۴۵) قانونی به تصویب رسید که براساس آن به خانواده‌های دارای ۳ فرزند یا بیشتر پاداش داده می‌شد و هدف اصلی آن جبران تلفات انسانی زیادی بود که این کشور بویژه در سالهای آغازین جنگ جهانی دوم متحمل شده بود.

دیوید هیر (۱۳۸۰) معتقد است که حجم جمعیت می تواند از این نقطه نظر حائز اهمیت باشد که منبع مهمی برای تامین ارتش و تامین هزینه های نظامی از طریق اخذ مالیات است. در عین حال، وی با بررسی وضعیت ۱۲ کشور جهان برخوردار از بیشترین جمعیت، بالاترین درآمد سرانه، و بیشترین میزان تولید فولاد نتیجه می گیرد که تولید انبوه فولاد شاخص مناسبتری برای تعیین قدرت یک کشور می باشد (تولید وسیع فولاد برای کارخانجات سازنده تسلیحات و تجهیزات نظامی ضروری می باشد) که البته هر چه نیروی انسانی بیشتر باشد، روند تولید افزایشی خواهد بود. وی همچنین استدلال می کند که افزایش جمعیت نه تنها ممکن است مانع افزایش درآمد سرانه باشد، بلکه سیاست افزایش جمعیت پس از گذشت چندین سال (حداقل ۲۰ سال) می تواند به افزایش نیروی نظامی و ارتش منجر گردد. به عنوان مثال، استالین بمنظور تقویت نیروی نظامی شوروی در مقابل ارتش آلمان هیتلری سیاست افزایش جمعیت و ممنوعیت سقط جنین را در سال ۱۹۳۶ وضع و اجرا نمود که به افزایش موالید در این کشور منجر گردید. (هیر، ۱۳۸۰: ۴۷)

تضعیف توان دفاعی هوشمند با روند کاهشی رشد جمعیت در ایران

با آغاز فرآیند مدرنیزاسیون در ایران، هر چند سطح سواد و تحصیلات زنان به ویژه تحصیلات آکادمیک و دانشگاهی از دهه ۱۳۴۰ به بعد رشد چشم گیری پیدا کرد، ولی عموماً درصد کمتری از آنان در مقایسه با مردان وارد دانشگاه و تحصیلات تکمیلی می شدند؛ اما تغییر این وضعیت از سال ۱۳۷۷ با پیشی گرفتن تعداد متقاضیان زن در کنکور و درصد قبولی در دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی نمایان شد. پیشی گرفتن زنان در این وضعیت، دو پیامد داشت: ۱. افزایش سن ازدواج به علت طولانی شدن دوره تحصیلی؛ ۲. بالا رفتن توقع از شغل مد نظر. حاصل این وضعیت، کاهش موالید برای زنان در جامعه ایران به ویژه در این دوره بود. از عواملی که در این کاهش باروری نقش بسزایی داشت می توان به عوامل ناشی از مدرنیزاسیون مانند رشد شهرنشینی، افزایش میزان سواد و تحصیلات عالی (به ویژه نزد زنان)، افزایش میزان اشتغال زنان و تغییر نگرش در بُعد خانوار متأثر از نوسازی، اشاره نمود.

از این گذشته با عنایت به گرانشنگ بودن نقش جمعیت و ساختار آن (از نظر ساخت، ترکیب و توزیع) در اقتدار و قدرت ملی کشور، دشمنان عزت و سربلندی ایران اسلامی با تحریم های ظالمانه خود، شوک های اقتصادی سهمگینی بر پیکر جامعه وارد نمودند. معمولاً زمانی که جامعه

با شوک های اقتصادی و بحران های روحی - روانی روبرو گردد، رفتارهای جمعیتی افراد و خانواده ها در زمینه ازدواج و فرزندآوری تحت تاثیر قرار می گیرد و هراس از آینده مبهم، می تواند باعث احتیاط یا تاخیر در تصمیم گیری برای تشکیل خانواده و یا فرزندآوری شود. با عنایت به تنگناهای اقتصادی ناشی از تحریم، ارائه حمایت های مادی و معنوی دولت به نحوی که در ذهن و رفتار جوانان احساس امنیت اقتصادی و اجتماعی ایجاد کند، دستخوش وقفه جدی گردید و در نتیجه، تامین «اشتغال پایدار» به عنوان بهترین گزینه تضمینی و چتر اقتصادی برای خانواده ها و تحقق گسترش کمی و کیفی بیمه ها و نظام تامین اجتماعی که بزرگترین پشتوانه مالی خانواده ها در التهابات و شوک های اقتصادی است، با مشکلات فراوان رو برو شد.

از سوی دیگر عده ای در تبیین مسأله کاهش نرخ باروری در ایران، تمایل به محدود ساختن تعداد فرزندان را ناشی از بیش اقتصادی و خوشگذرانی و زندگی مرفه غربی می دانند (نقوی، ۱۳۷۷: ۱۹). زیرا با توجه به رویکرد اقتصادی ناشی از لیبرالیسم و امتزاج آن با منفعت طلبی فردی، فرزندآوری چیزی جز هزینه آوری نخواهد بود (چپل، ۱۳۸۸: ۱۱). این در حالی است که اولاً بسیاری از تحولات اقتصادی و مادی ای رخ داده در غرب، در ایران و دیگر کشورهای با وضعیت مشابه، به آن شدت و در آن مقیاس رخ نداده است و ثانیاً در صورت تعیین کنندگی عامل اقتصاد و تنگناهای صرف مالی، کاهش میل به فرزندآوری باید تنها در اقشار ضعیف جامعه مشاهده شود، حال آن که مشابه این رویه در طبقات مرفه و ثروتمند نیز مشهود است^۱. با این توضیح گذشته از عوامل اقتصادی، در تحلیل صحیح این پدیده باید تغییرات فرهنگی در قالب متغیرهای ساختی کنش نیز مد نظر قرار گیرد.

در واقع، هر چند جامعه مذهبی و دینی ایران به دلیل تاکید آئین هدایتگر اسلام بر ارزش فرزند و فرزندآوری، اهمیت زیادی برای خانواده و تداوم آن قائل است، اما در نتیجه وامگیری و اقتباس صوری و شکلی از نهادهای جوامع دیگر، جامعه ایرانی دچار پس افتادگی "زندگی" از "شکل" گردید. با زوال مولفه های فرهنگی هویت سنتی و گسترش سکولاریسم، حساسیت قشر جوان

۱. نتیجه پژوهش غفاری سردشت و همکار حکایت از آن دارد که بر خلاف انتظار با سخت تر شدن شرایط اقتصادی، نرخ فرزندآوری و زمان ازدواج طبقات متمول دستخوش تغییرات زیادی شده است اما درگرایش به تاخیر ازدواج یا عدم فرزندآوری در طبقات پائین تر، چندان تغییر قابل ملاحظه ای مشاهده نشده است (غفاری سردشت و همکار، ۱۳۹۹: ۳۹).

نسبت به مسائل اجتماعی از جمله ضرورت تداوم نسل، به محاق فراموشی سپرده شد. از این رو به رغم طرح رزاقیت خداوند و غنی ساختن بندگان از تأمین معاش به مثابه جزئی از ضرورت های معرفتی یک مسلمان و تعبیر از ترس و وحشت از عیالواری و تأمین آتیه فرزندان به نوعی شرک خفی^۱، تغییر در نوع نگاه به فلسفه حیات، با سستی جوانان در پایبندی به هنجارهای دینی علاوه بر کاهش تمایل به تشکیل خانواده^۲ در بی علاقه گویی آنان به فرزند آوری، نمود پیدا کرد^۳.

از این گذشته در این بین نباید تاثیر تاکید برخی مسئولین در اجرای سیاست های کنترل جمعیت، تنظیم خانواده و بهداشت و فرزندآوری مطابق الگوی غربی و اختصاص بودجه کلان برای پیگیری و اجرای سیاست های تحدید نسل که با پیامدهائی همچون عدم اجرای سیاست های کلی جمعیت، دستکاری آماری نرخ رشد جمعیت کشور، مشروط کردن یارانہ موالید جدید، ایجاد محدودیت سنی برای دریافت وام ازدواج و... موجب کاهش روند رشد جمعیت طی سالیان اخیر گردید، را نادیده گرفت. جالب این جا است که سال ها پیش، دشمن آشکارا به مطلوب بودن طرح تحدید موالید در ایران در تأمین منافع خود، اذعان داشته بود. از جمله، برژینسکی طی مصاحبه ای با وال استریت ژورنال در سال ۲۰۰۹ گفته بود: «از فکر کردن به حمله پیشدستانه علیه تاسیسات هسته ای ایران اجتناب کنید و گفت و گوها با تهران را حفظ کنید، بالاتر از همه بازی طولانی مدتی را انجام دهید، چون زمان، آمارهای جمعیتی و تغییر نسل در ایران به نفع رژیم کنونی نیست»، مقصودش این است که چه بسا با روند سالخوردگی شدید جمعیت ایران، دیگر حتی شاید نیاز به مداخله نظامی آمریکا برای تأمین منافع آن کشور در ایران هم نباشد! (خبرگزاری فارس، ۱۳۸۸)

۱. پیامبر گرامی اسلام (ص) می فرماید کسی که ازدواج را به خاطر ترس از عیالواری و فقر رها کند، به خدا سوء ظن برده است؛ زیرا خداوند می فرماید اگر آنان فقیر باشند، خدا از فضلش آنان را بی نیاز می کند (کلینی، ۱۳۷۷، ج ۵: ۳۳۰).

۲. نتیجه حاصل از یک پژوهش میدانی با هدف بررسی رابطه دینداری و قصد باروری در جامعه آماری شامل ۱۲۷۲ مرد و زن متاهل تهرانی که سن زن در خانواده ایشان ۱۵ تا ۴۹ سال بوده، نشان می دهد اگرچه زنان دین دارتر از مردان هستند، قصد باروری در زنان و مردان تقریباً با شدت یکسان متأثر از دینداری است (مدیری و همکار، ۱۳۹۴: ۱۳۳).

۳. تحولات ارزشی نسبت به ازدواج در گویه های پیمایش ملی خانواده (۱۳۹۸) مربوط به نگرش مدرن به ازدواج (مانند: دختران می توانند از پسران خواستگاری نمایند، رابطه دوستی دختر و پسر قبل از ازدواج اشکالی ندارد، ازدواج مانع پیشرفت است و زندگی دختر و پسر بدون ازدواجی رسمی، اشکال ندارد)، کاملاً مشهود است.

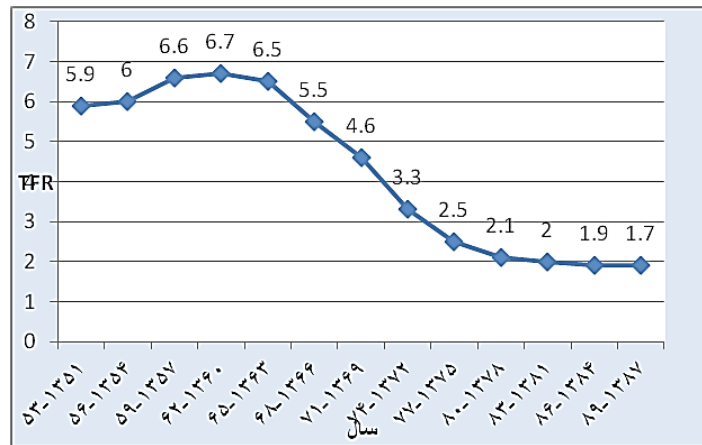
در این بین، بازشناسی هوشمندانه توطئه دشمن در حمایت از برنامه‌های کنترل جمعیت و تغایر آشکار تداوم روند کاهش باروری با ارزش‌های اصیل و بنیادین جامعه اسلامی ایران، در انتقاد رهبر معظم انقلاب از سیاست‌های جمعیتی دوران گذشته در کشور طی سخنان چند سال پیش و تاکید ایشان بر کاهش و یا حذف دلایلی که موجب کم میلی نسبت به فرزند می‌شود، بازتاب یافته بود (رهبر انقلاب اسلامی، ۱۳۹۱/۸/۶).

طی سال‌های اخیر، سطح پایین باروری فقط در حوزه مسائل و مشکلات اقتصادی محدود نمانده و به دلیل تغییر ناگهانی روند و الگوهای باروری از سطوح بسیار بالا به سطوحی پایین و حتی پایین‌تر از میزان جانشینی، نگرانی ناشی از آن فراگیر شده است. اولین زنگ خطرها پس از سرشماری سال ۱۳۸۵ و اعلام میزان باروری کل (TFR) $1 = / 8$ به صدا درآمد و پس از آن در نتایج سرشماری سال ۱۳۹۰ (جدول شماره ۱) که TFR را معادل $1/69$ برآورد می‌کرد، روند کاهش میزان باروری کل تأیید شد. طبق پیش‌بینی‌ها، انفجار دوم جمعیتی بر اثر ازدواج و فرزندآوری متولدین دهه ۶۰، نه تنها بوقوع نیوست بلکه شیب نزولی موالید رقم خورد به طوری که میزان موالید در سال ۹۰ به یک میلیون و ۳۸۰ هزار مورد رسید، در حالی که این رقم در دهه ۶۰ بیش از ۲ میلیون بود و این آغاز سقوط آزاد جمعیت در ایران را رقم زد. در تأیید عدم مداخلت عوامل اقتصادی صرف در کاهش رشد جمعیت، جالب این‌که به رغم فشار اقتصادی سنگین اما میزان باروری کل در سال ۱۳۶۵ (همزمان با سال‌های جنگ تحمیلی) به بیش از ۶ فرزند برای هر زن و رشد سالیانه جمعیت طی سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ بطور حیرت‌آوری به حدود ۴ درصد افزایش یافت. جمعیت ایران از حدود ۳۴ میلیون نفر در سال ۱۳۵۵ به تقریباً ۵۰ میلیون نفر در سال ۱۳۶۵ رسید و تداوم رشد جمعیت معادل ۴ درصد به این معنا بود که جمعیت کشور تقریباً هر ۱۸ سال دو برابر خواهد شد. برای درک بهتر این میزان رشد جمعیت باید افزود که بیشترین میزان رشد جمعیت که در تاریخ تحولات جمعیت جهان تجربه شده است، مربوط به سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۰ و معادل ۲ درصد بوده است.

۱. TFR یا نرخ کلی باروری تعداد فرزندان است که یک زن در طول دوره بالقوه باروری (۱۵ تا ۴۹ سالگی) به دنیا می‌آورد.

2. Total Fertility Rate

اگرچه به واسطه ساختار سنی جمعیت ایران، رشد سالانه جمعیت همچنان مثبت بود و در سرشماری سال ۱۳۹۰ معادل ۱/۲۹ درصد محاسبه شد، با توجه به کاهش تدریجی میزان باروری کل در ایران و تقلیل این سطح به زیر سطح جانشینی و کاهش مداوم جمعیت در آینده، این نگرانی بوجود آمد که در صورت استمرار این سطح از باروری، ایران طی سال‌های نه چندان دور در آینده (۱۴۲۵-۱۴۲۰)، دچار رشد منفی جمعیتی شود که نتیجه آن مواجهه با جمعیتی سالخورده و پیر خواهد بود.



جدول ۱. تغییرات میزان باروری در ایران (۱۳۵۱-۱۳۸۹)

با بررسی وضعیت ساخت سنی جمعیت ایران بر اساس سرشماری های ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۰ و پیش بینی وضعیت آن تا سال ۱۴۳۰ (طبق جدول شماره ۲)، می توان گفت در حال حاضر جمعیت ایران دارای ساخت سنی میان سال است و اگر این میزان فرزندآوری پایین ادامه یابد، جمعیت ایران در سال ۱۴۳۰ به جمعیتی سالخورده تبدیل و با کاهش شدید جمعیت زیر ۱۵ ساله ها و افزایش جمعیت ۶۵ ساله و بالاتر مواجه خواهد شد که در این صورت با میزان سرباری یا وابستگی سالمندی یا کهنسالی (DR) ۱ بالایی حدود ۳ برابر نسبت به سال ۱۳۹۰ روبه رو خواهد شد. در حالی که دو سال پیش، نرخ سالمندان بالای ۳۳ سال در کشور ۹/۵ درصد بود، اینک این رقم به ۱۱ درصد رسیده است و پیش بینی می شود تا سال ۱۴۲۹ یعنی حدود سه دهه آینده، شمار

1. Dependent Ratio

سالمندان به بیش از ۳۲ درصد می‌رسد. بی‌تردید این امر به ساختارهای اجتماعی و اقتصادی کشور آسیب وارد کرده و کشور را دچار مشکل‌های جدی خواهد کرد (قاسمی، ۱۳۹۷).

جدول ۲. روند نرخ رشد جمعیت براساس محاسبات مرکز آمار ایران

سال	نرخ رشد (درصد)
۱۴۰۰	۰/۷۷
۱۴۰۱	۰/۷۶
۱۴۰۲	۰/۷۴
۱۴۰۳	۰/۷۴
۱۴۰۴	۰/۶۹
۱۴۰۵	۰/۶۶
۱۴۰۶	۰/۶۲
۱۴۰۷	۰/۵۸
۱۴۰۸	۰/۵۵
۱۴۰۹	۰/۵۲
۱۴۱۰	۰/۴۹
۱۴۱۱	۰/۴۶
۱۴۱۲	۰/۴۴
۱۴۱۳	۰/۴۱
۱۴۱۴	۰/۳۸
۱۴۱۵	۰/۳۶

ایجاد چنین وضعیتی، باعث ایجاد فشار به نیروی کار برای تأمین هزینه‌های سالمندان خواهد شد. در این وضعیت، مناسب‌ترین پاسخ برای کاهش فشار بر نیروی کار فعال، ایجاد زمینه‌های ورود و اشتغال بیشتر زنان به بازار کار است. نتیجه این روند، ورود به چرخه‌ای معیوب و تشدیدکننده میان افزایش جمعیت کهنسال و افزایش میزان اشتغال زنان است که با کاهش مولید زنان همراه می‌شود و در نهایت به تشدید کاهش میزان باروری می‌انجامد که با گذر زمان تشدید می‌شود.

از این گذشته، کاهش جمعیت و روند حرکت جمعیت از جوانی به سالمندی و پیری، اثرات سوء دیگری هم به دنبال دارد. انقطاع نسل، عدم رشد و توسعه اقتصادی و به تبع آن عقب ماندگی کشور، بی‌نشاطی جمعیت، آسیب‌های اخلاقی و تربیتی همچون خودبرتربینی و رفاه طلبی فرزندان در خانواده‌های تک‌فرزند و بیگانه بودن خانواده‌ها با مفاهیم ارزشی همچون قناعت، ایثار، کمک به هموعان، صبر، تحمل و... اختلال در جامعه‌پذیری و ارتباطات اجتماعی بچه‌های خانواده‌های کم جمعیت، معضلات روحی و روانی نسل آینده به دلیل بهره‌مند نبودن از موهبت‌های اجتماعی خویشاوندان (برادران، خواهران، عمه‌ها، خاله‌ها، دایی‌ها و عموها)، هنجار شدن فرهنگ غربی زندگی بدون فرزند در میان بخشی از مردم، هزینه نگهداری سالمندان و بالا رفتن هزینه‌های درمانی و بیمه‌ای، کاهش جمعیت جوان کشور و بویژه ضعیف شدن توان بازدارندگی دفاعی کشور در برابر تهدیدات فرهنگی، اقتصادی و نظامی، موجب تقویت یا تضعیف مسئله‌ای به نام اقتدار می‌گردد. همان گونه که در جنگ جهانی دوم «کورتین» نخست وزیر استرالیا هشدار داد که این کشور برای حفظ امنیت خود، همانند آسیای پرجمعیت، به جمعیتی سی میلیونی نیاز دارد (خبرگزاری فارس نیوز؛ ۱۳۹۳/۷/۲۲)، با ضعف اقتدار کشور در اثر عواملی چون افزایش جمعیت سالمندان، جامعه در مقابل تهدیدات نظامی آسیب پذیرتر می‌شود؛ به گونه‌ای که یا توان مقابله در برابر تهاجمات نظامی را نداشته یا به سازش‌های تحمیل شده برای فرار از بحران تن می‌دهد.

به طور حتم کشوری که دارای جمعیت اندک یا پیر باشد، توانایی رویارویی مقتدرانه در برابر تجاوز بیگانگان را نخواهد داشت. اگرچه امروزه اقتدار نظامی در مناسبات بین‌المللی از اولویت خارج شده است و دولت‌ها تسلط بر مناسبات جهانی را در اقتدار اقتصادی جستجو می‌کنند، اما در شرایطی که جمهوری اسلامی ایران آشکارا مورد تهدید قدرت‌های زورگو قرار می‌گیرد، نمی‌توان همچون دوران جنگ تحمیلی که به برکت حضور گسترده جوانان در عرصه‌های نظامی و عملیات‌های سرنوشت‌ساز تمامیت ارضی و استقلال ایران، حفظ و تضمین گردید، در مقطع فعلی نیز نباید از این قابلیت در راستای توان بازدارندگی کشور غفلت نمود. (سوختانلو و همکاران، ۱۳۸۹: ۵۱)

به رغم جایگاه تعیین کننده جمعیت در قدرت نظامی و بازدارنده کشور در کنار سائر مولفه های قدرت یک کشور از قبیل اقتصاد، سیاست، فرهنگ، اجتماع و ...، تحلیل ها و گزارش های مرکز آمار ایران نشان می دهد جمعیت ایران از حدود ۸۴ میلیون نفر در سال ۱۴۰۰ با ۷ میلیون و ۳۹۱ هزار نفر افزایش به ۹۱،۵ میلیون نفر در سال ۱۴۱۵ خواهد رسید که این به معنای افزوده شدن تنها ۶۰۰ تا ۷۰۰ هزار نفر به جمعیت کشور در هر سال می باشد. طبق گزارش مرکز آمار ایران، رشد نرخ رشد جمعیت کشور با فرض ادامه همین شرایط از ۰/۷۷ درصد در سال ۱۴۰۰ به ۰/۳۶ درصد تا پایان سال ۱۴۱۵ کاهش خواهد یافت. اجتناب از پیامدهای سوء ناشی از پیامدهای ناشی از روند نزولی جمعیت، فرهنگ سازی جهت فرزندآوری به نحوی اصولی و برنامه ریزی های هدفمند تشویقی را ایجاب می کند تا در جوانان دیدگاهی مثبت نسبت به ازدواج ایجاد گردد؛ در غیر این صورت مشوق های ناکافی و حمایت های بی ارزش استراتژیک برای جوانی که قصد تاهل دارد و مسیر فرزندآوری را طی کند، جوانان را به ازدواج ترغیب نخواهد کرد.

تشویق فرزندآوری و سیاست های افزایش جمعیت در جهان

غفلت محسوس از برنامه های حمایت از خانواده ناشی از سوء تدبیرها و اتخاذ سیاست های ضد خانواده سبب فروپاشی خانواده و کاهش نرخ فرزندآوری در ایران به دلیل عدم حمایت های مالی، مشکلات اقتصادی و ورود تفکرات نادرستی همچون لزوم مدیریت بدن و ...، در کشورهای دیگر رد شده و سیاست های حمایت از خانواده جایگزین آن شده است. از جمله این سیاست های فراموش شده در حمایت از خانواده در ایران می توان به قانون کاهش ساعت کار بانوان شاغل دارای شرایط خاص اشاره کرد. بنابراین قانون برای زنان شاغل اعم از رسمی، پیمانی و قراردادی که موظف به ۴۴ ساعت کار در هفته بوده و دارای معلولیت شدید، فرزند زیر شش سال، همسر یا فرزند معلول هستند، ۳۶ ساعت کار در هفته با دریافت حقوق و مزایای ۴۴ ساعت را تعیین می کند. با وجود گذشت چند سال از تصویب این قانون؛ متأسفانه همچنان بسیاری از کارفرمایان بخش خصوصی از اجرای آن برای بانوان شاغل سر باز می زنند.

این در حالی است که غفلت از اجرای این سیاست ها توسط کارفرمایان، با غفلت دستگاه های نظارتی و مسئول همراه شده و آنان نیز نسبت به برخورد با عدم اجرای سیاست های فرزندآوری، واکنشی از خود نشان نمی دهند. از طرف دیگر، تشویق به فرزندآوری با وعده پرداخت وام چند

ده میلیونی یا اضافه شدن ۴۱۷ هزار تومان در فیش حقوقی و گرفتن سهام یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومانی آن طور که باید، نمی تواند باعث بالا رفتن نرخ رشد جمعیت در کشور شود؛ چون در حال حاضر به طور نمونه، ماهانه چیزی حدود ۵ میلیون تومان هزینه پوشک بچه می شود و درآمدها نسبت به هزینه ها آن قدر بالا نیست. البته هزینه بچه تنها پوشک نیست، بلکه از پیش از تولد با مراقبت ها و هزینه های پزشکی شروع و بعد از تولد با هزینه هایی مثل پوشک، شیرخشک و ... ادامه خواهد داشت و بالا رفتن این هزینه ها، از جمله عواملی است که در کاهش انگیزه زوج ها به فرزندآوری بی تاثیر نیست.

برای این که یک کشور جمعیت پایداری داشته باشد، نرخ فرزندآوری باید ۲٫۱ درصد جمعیت زنان آن کشور باشد. سالمند شدن جمعیت در یک کشور، شروع مشکلاتی است که در نهایت می تواند به «پایان رشد اقتصادی» ختم شود. نیروی کار کاهش پیدا می کند؛ هزینه های بخش بهداشت و درمان افزایش پیدا می کند؛ به دلیل «کاهش تقاضا» اقتصاد وارد رکود می شود و حتی نرخ «نوآوری» در اقتصاد هم نزولی می شود. از این رو و با توجه به این که نرخ فرزندآوری تاثیر مستقیمی بر اقتصاد یک کشور دارد، برخی کشورهای دارای نرخ توالد پایین (مانند روسیه، فرانسه، انگلیس و ژاپن)، برای جلوگیری از رکود اقتصادی سیاست های حمایتی ویژه ای برای فرزندآوری را اعمال کرده اند. نگاهی به مشوق های فرزندآوری در برخی از کشورها نشان می دهد بر خلاف عدم اهتمام جدی به اجرای سیاست های حمایتی برای فرزندآوری در ایران، حمایت دولت های دیگر برای تشویق بیشتر خانواده ها به فرزندآوری تا سال ها و گاهی تا ۱۸ سالگی فرزند ادامه دارد. در بسیاری از کشورهای دیگر که در ادامه به شماری از آن ها خواهیم پرداخت، مشوق هایی برای بالا بردن نرخ باروری در نظر گرفته می شود که به اصطلاح به آن «پاداش نوزاد» می گویند که بیشتر شامل دستمزد و حقوق بیشتر، وام های بلا عوض، زمین، معافیت مالیاتی، بسته های حمایتی و ... می شود.

آلمان: آنگلا مرکل - صدر اعظم پیشین آلمان - چند سال قبل که میانگین تعداد بچه های خانواده این کشور ۳٫۱ بچه تخمین زده شد، حقوق قابل ملاحظه ای را برای مادرانی که خود مراقبت از فرزندشان در منزل را بر عهده می گیرند، پیشنهاد نمود. همچنین طرحی ارائه نمود که

به پدر بزرگ ها و مادر بزرگ ها اجازه می داد که برای نگه داری از نوه هایشان مرخصی بدون حقوق بگیرند.

از جمله سیاست های حمایت از خانواده در این کشور به منظور افزایش زمان های حضور زنان در خانه و بهبود فرزند آوری، ارائه مرخصی به مردان جهت مراقبت از کودک و کمک به زنان است. همچنین به والدین برای کاهش فشار اقتصادی خانواده و تمرکز بر تربیت فرزند، کمک هزینه پرداخت می گردد. بر این اساس؛ دولت آلمان کمک هزینه ۳۰۰ تا ۱۸۰۰ یورو در ماه را به والدین فرزند تازه متولد شده اختصاص می دهد که تا حداکثر طی ۱۴ ماه قابل پرداخت است. این گونه سیاست های حمایتی به مادرهای شاغل کمک می کند تا در کنار فعالیت اقتصادی به نقش مادری و تربیت فرزند نیز بپردازند. از دیگر اقدامات دولت آلمان، کمک مالی به پدران و مادران شاغلی است که به دلیل تولد فرزند، برای مدتی دستمزد دریافت نکردند؛ همچنین دولت تضمین می نماید که هر یک از والدین بعد از مرخصی تا چهارده ماه به شغل قبلی خود باز گردند.

مشوق های آلمان برای افزایش نسل از شهروندان آلمانی فراتر رفته، مهاجران خارجی را نیز شامل می شود. طبق قانون مصوب در خصوص مهاجرانی که چندین سال در این کشور زندگی کرده و فرزندان شان تا ۱۷ سالگی در کشور آلمان تحصیل نموده اند، دولت موظف به پرداخت کمک هزینه تحصیل به افراد می باشد و در سنین کودکی نیز با سبدهای حمایتی به این افراد کمک مالی می کند. (بگی و همکاران، ۱۴۰۰: ۶۷)

فرانسه: به رغم آن که میزان مولید فرانسه بیشتر از سایر کشورهای اروپایی است، اما دولت آن کشور امکانات رفاهی زیادی را برای بچه دار شدن خانواده ها در نظر گرفته است؛ به گونه ای که ۸۳ میلیارد یورو، یعنی حدود پنج درصد تولید ناخالص ملی کشور را صرف حمایت از فرزند آوری می کند. این میزان هزینه به نوبه خود بالاترین رقم در سطح اروپاست. مادران فرانسوی در صورت بچه دار شدن ۱۶ هفته مرخصی با حقوق و مزایای کامل دارند که از شش هفته پیش از تولد کودکانشان آغاز می شود. پس از این دوره والدین می توانند به مرخصی سه ساله و بدون حقوق بروند و بعد از آن بدون هیچ محدودیتی به شغل قبلی شان باز گردند. در فرانسه خانواده ها در صورت داشتن فرزند سوم مبلغ ۱۰۰۰ یورو دریافت می کنند. همچنین دولت تضمین می کند که از خانواده برای تامین مخارج فرزندان از سنین کودکی برای پیش دبستانی تا مدرسه و دانشگاه

حمایت مالی کنند. اگر خانواده‌ها برای تولد فرزندشان خدمتکار استخدام کنند، دولت بخشی از این هزینه را می‌پردازد. از دیگر سیاست‌های افزایش جمعیت در کشور فرانسه، می‌توان به اختصاص سبد کالا و کاهش مالیات اشاره کرد. جالب این است که سیستم فرانسه، داشتن فرزند بیشتر را با افزایش قابل ملاحظه مزایا برای فرزند سوم به بعد تشویق می‌کند.

انگلستان: انگلستان جمعیتی ۵۳ میلیونی دارد و میانگین مولید به ازای هر زن در آن ۹/۱ نفر است. از سیاست‌های این کشور در راستای افزایش جمعیت، اختصاص ۵۲ هفته مرخصی زایمان برای زنان که ۳۹ هفته آن با حقوق است به این صورت که ۶ هفته اول مرخصی با ۹۰ درصد حقوق است و در مابقی مرخصی، حداقل دستمزد برای پرداخت در نظر گرفته شده است. در این کشور، برای خانواده دارای فرزند حقوق هفتگی در نظر گرفته شده که فرزند اول ۳/۲۰ پوند و برای هر فرزند اضافه‌تر ۴/۱۳ پوند پرداخت می‌شود.

کانادا: جمعیت کانادا در مقایسه با ۵۰ سال گذشته دو برابر شده است. جمعیت این کشور در سال ۲۰۱۲ به سی و سه میلیون نفر رسید که در فاصله ی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۱، پنج میلیون و نهصد هزار نفر افزایش داشته است. مهاجرت، اولین عامل رشد جمعیت کانادا است.

از سال ۲۰۰۰ با حمایت دولت، کانادا شاهد افزایش چشمگیر مرخصی زایمان از ۱۰ هفته به ۳۵ هفته بود. این مرخصی می‌تواند با توافق پدر و مادر بین آنها تقسیم شود. این برنامه برای این است که زوجها بدون نگرانی از قطع حقوق یا احتمال از دست دادن شغلشان بتوانند به بچه دار شدن فکر کنند.

در ایالات کبک کانادا افرادی که صاحب فرزند سوم می‌شوند، از هدایای قابل توجهی برخوردار می‌شوند. این هدایا برای فرزند اول ۵۰۰ دلار، فرزند دوم ۱۰۰۰ دلار و برای فرزند سوم یکباره ۷۵۰۰ دلار افزایش پیدا می‌کند. این موارد نمونه‌هایی از سیاست‌های تشویقی دولت برای حمایت از فرزندآوری خانواده‌های کانادایی است که البته تنها شامل تشویق‌های مالی نبوده، بلکه شامل تسهیلات آموزشی و رفاهی کودکان هم می‌شوند. (بگی و همکاران، ۱۴۰۰: ۶۸)

سوئد: نرخ فرزندآوری در سوئد نسبت به دیگر کشورهای اروپایی بالاتر است. این موضوع نتیجه سیاست‌های مطلوب حمایت از خانواده همچون افزایش مرخصی زایمان، بیمه مرخصی زایمان و خدمات نگهداری از کودکان است. سیاست‌های حمایت از خانواده در این کشور بر این

اصل استوار است که فرزندآوری مغایرتی با کار زنان نداشته، بنابراین پس از زایمان بدون مشکل به کار خود ادامه می‌دهند. در این کشور، مرخصی والدین ۱۵ ماه است و آن‌ها اجازه دارند بعد از این مدت تا ۸ سالگی کودکشان، به طور متناوب مرخصی بگیرند و در زمان مرخصی، ۸۰ درصد حقوق خود، معادل ۴۸۰ روز کاری را بهره‌مند شوند. همچنین خانواده‌هایی که بعد از ۳۰ ماه برای فرزند بعدی اقدام کنند، از امکانات ویژه‌ای برخوردار می‌شوند. یکی از این تسهیلات اجتماعی که دولت سوئد برای کودکان سوئدی قائل است، «بارن بیدراگ» یا همان «کمک هزینه کودک» است. این کمک هزینه، مبلغ مشخص و بلاعوضی است که دولت سوئد در ازای هر کودکی که در سوئد متولد می‌شود تا زمانی که کودک به سن ۱۶ سالگی برسد، به والدین پرداخت می‌کند. میزان این کمک هزینه ارتباطی با میزان درآمد والدین کودک ندارد و همه اقشار جامعه با هر سطح درآمدی، از این تسهیلات دولت سوئد برخوردار هستند. میزان این مبلغ ماهیانه برای یک کودک در حدود یک هزار و ۵۰۰ کرون، دو کودک ۲ هزار و ۲۰۰ کرون، سه کودک ۳ هزار و ۶۰۰ کرون و چهار کودک ۵ هزار و ۵۰۰ کرون (حدود ۲۱ میلیون تومان) تعیین شده است.

نروژ: سیاست‌های نروژ نه فقط در خصوص افزایش جمعیت بلکه در زمینه حمایت از کودکان تازه متولد شده هم، فوق العاده است. تخفیف ساعات کاری به همراه دریافت مزایای شغلی برای والدین و تصویب قوانینی در زمینه ایجاد مراکز رفاهی و حمایتی برای مراقبت روزانه از کودکان، بخشی از این حمایت‌هاست. در این کشور پس از تولد هر کودک، پدر و مادر دو هفته مرخصی با حقوق دارند. پس از این مدت، آن‌ها می‌توانند بین ۴۶ هفته مرخصی با حقوق کامل یا ۵۶ هفته مرخصی با ۸۰ درصد پرداختی، که باید میان والدین تقسیم شود، یکی را انتخاب کنند. به منظور اطمینان از این که پدران حتماً در امر نگهداری و بزرگ کردن کودکانشان مشارکت خواهند داشت، پدران موظف هستند دست کم ۱۰ هفته از این دوران را از محل کار مرخصی بگیرند. جالب این جاست که استفاده از این مرخصی برای وزیران دولت نیز امری غیرعادی تلقی نمی‌شود و بسیار معمول است که وزیران دولتی در سال نخست تولد فرزندشان، چند ماهی در مرخصی باشند. در ضمن، دولت به یکی از والدینی که تصمیم دارند تا دوسالگی کودکشان در خانه بمانند، کمک هزینه ویژه‌ای پرداخت می‌کند. به همه این‌ها مراقبت‌های رایگان از کودک، دارو و درمان رایگان و حق اولاد در فیش حقوقی نیز اضافه می‌شود. فرزندان ۱ تا ۵ سال مشمول دریافت یارانه

مراقبت های دولتی می شوند. همچنین برای والدینی که تازه صاحب فرزند شده اند نیز مزایایی با هدف تضمین درآمد برای والدین در نظر گرفته شده است.

فنلاند: در کشور فنلاند خانواده ها حمایت های مالی نظیر وام بارداری دریافت می کنند. مرخصی زایمان مادران نیز از ۳۰ روز قبل از زایمان شروع شده و در طول این دوره کمک هزینه «مادرانه» به مادران پرداخت می شود.

دانمارک: در کشور دانمارک ۵۲ هفته مرخصی زایمان برای مادران در نظر گرفته شده است که این مرخصی با حقوق از ۴ هفته قبل از زایمان آغاز می شود. پدران نیز دو هفته مرخصی با حقوق پس از تولد فرزند دریافت می کنند. تمام کودکان زیر سن مدرسه می توانند از مهدکودک های دولتی استفاده کنند که والدین، تنها ۲۵ درصد هزینه مهدکودک را می پردازند.

روسیه: جمعیت کشور روسیه ۱۴۳ میلیون نفر و رشد جمعیت آن منفی است. بعد از روی کار آمدن پوتین در آن کشور، سیاست های تشویقی برای افزایش جمعیت، بیش از پیش قوت گرفت و سال ۲۰۰۸ میلادی از طرف وی به عنوان سال خانواده نام گرفت و تمام دستگاه های دولتی موظف شدند برنامه های تشویقی خود را برای افزایش جمعیت و جلوگیری از بحران کاهش جمعیت ارائه کنند.

بنابراین ابلاغ دولت روسیه، خانواده هایی که دارای فرزند می شوند از پرداخت مالیات تا سقف تعیین شده معاف می شوند و حمایت های دیگری علاوه بر استفاده از کودکان رایگان، برای تربیت و رشد فرزندان در قالب سبد کالای حمایتی و همچنین به صورت نقدی به خانواده ها ارائه می گردد. بر اساس قوانین این کشور، خانواده هایی با سطح درآمد پایین به ازای فرزند اول تا ۱۸ ماهگی کودک، کمک معیشتی معادل ۱۵ هزار دلار هدیه دریافت می کنند، فرزند دوم تا ۱۰ سالگی و فرزند سوم منجر به پرداخت وام مسکن با سود بسیار پایین به خانوارها می شود.

در ضمن پوتین دستور داده اگر مادری ۱۰ فرزند داشته باشد، به او عنوان افتخاری «مادر قهرمان» به همراه یک میلیون روبل معادل ۵ میلیارد تومان داده می شود. بنابر آمار منتشر شده توسط سازمان فدرال آمار روسیه، جمعیت روسیه در اثر مشوق های فوق طی شش ماه نخست سال ۲۰۱۲، ۸۵۰ هزار تن افزایش پیدا کرد. (سایت خبرآنلاین، ۱۴۰۱)

ایتالیا: دولت ایتالیا برای حمایت از خانواده و تشویق مردم به بچه‌دار شدن در کنار مشوق‌های مالی مثل پرداخت ۸۰۰ یورو به ازای تولد هر فرزند، مشوق‌های دیگری هم دارد. به طور مثال در ایتالیا صاحبخانه‌ها اجازه بیرون انداختن مستاجری که فرزند زیر ۱۸ سال دارد، را ندارند؛ حتی اگر مستاجر کرایه نپردازد. همچنین در این کشور والدین فرزندان زیر ۱۸ سالی که در ایتالیا به دنیا آمده‌اند اگر از اتباع دیگر کشورها هم باشند، دیپورت نمی‌شوند. البته برای ایجاد اشتغال و حمایت از خانواده‌ها هم بسته‌های تشویقی دیگری دارند؛ مثلاً به آن دسته از زوج‌هایی که در انتظار فرزند سوم باشند، یک قطعه زمین کشاورزی تعلق می‌گیرد.

مجارستان: در مجارستان مادرائی که صاحب چهار فرزند یا بیشتر شوند، به صورت مادام‌العمر از پرداخت مالیات معاف خواهند شد. همچنین وام کم بهره‌ای به ارزش ۱۰ میلیون فورینت (۳۱۵۰۰ یورو) به زنان زیر ۴۰ سال که برای اولین بار ازدواج می‌کنند، اعطا می‌شود. به علاوه، با تولد دومین فرزند، یک سوم اقساط وام و با تولد سومین فرزند همه آن بخشیده خواهد شد. در واقع، این وام برای مادران دارای سه فرزند یک وام بلاعوض محسوب می‌شود. پس از تولد دومین فرزند خانواده، دولت ۳۱۵۰ یورو به عنوان قرض به خانواده‌ها خواهد داد؛ پس از تولد سومین فرزند نیز ۱۲۵۸۰ یورو و پس از آن به ازای هر فرزند ۳۱۵۰ یورو به خانواده اعطا خواهد شد. پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها می‌توانند تحت شرایطی از مرخصی فرزندآوری با حقوق بهره‌مند شوند؛ این در صورتی است که نوه‌های آن‌ها به سن سه سالگی رسیده باشند. همچنین کمک هزینه‌های فرزندآوری می‌تواند مستقیماً به پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌هایی که سرپرستی نوه‌هایشان را به عهده دارند، تعلق گیرد.

بر اساس اعلام دولت مجارستان، در سال ۲۰۲۲، به منظور ارتقای سطح رفاه و سلامت شهروندان، ۲۱ هزار مرکز جدید به سیستم مهد کودک این کشور اضافه شد. همچنین به منظور تسهیل حمل و نقل خانواده‌های پرجمعیت، یارانه‌ای به مبلغ ۷۸۶۲ یورو به خانواده‌های دارای سه کودک یا بیشتر برای خرید خودروی هفت نفره اعطا می‌شود.

ژاپن: ژاپن یکی از پیرترین کشورهای جهان است که نرخ رشد جمعیت آن ۰/۳- درصد است. به گفته کارشناسان در صورت تداوم این روال، در سال ۳۰۱۱ دیگر در ژاپن کودک زیر ۱۵ سالی وجود ندارد. برای همین برای بهبود وضعیت هرم جمعیتی در این کشور، قانونی به نام «

کودوموتیت» وضع شد که طبق این قانون، خانواده‌هایی که فرزند تا سن ۱۵ سال دارند، ماهانه تا ۱۳ هزار ین کمک مالی دریافت می‌کنند. همچنین پدر و مادر یک به یک می‌توانند با دریافت نصف حقوق خود تا سقف تعیین شده، به مرخصی بروند و این درحالی است که بعد از آن هم می‌توانند بدون هیچ تغییر به کار قبلی خود بازگردند.

چین: هر چند دولت چین از سال ۱۹۷۹ تصمیم به اجرای سیاست تک فرزندی در کشور گرفته بود، اما اکنون پس از گذشت نزدیک به سه دهه با مشکلاتی مواجه شده است. وانگ زو، مدیر کمیسیون موسسه علم و فن آوری، می‌گوید: توزیع آماری جمعیت چین، به علت سیاست‌های مربوط به خانواده در دهه‌های گذشته، تغییر یافته است و دولت باید سیاست‌های خود را با این تغییرات هماهنگ سازد. مشاور سیاسی رئیس‌جمهور چین گفته است: از آنجایی که جمعیت چین، به موجب سیاست قبلی تک فرزندی، تا سال ۲۰۳۰ رو به کاهش خواهد گذاشت، سیاست دو فرزندی باید زودتر به اجرا در می‌آید. ایشان با بیان اهمیت توجه به موضوع جمعیت تاکید می‌کند که لغو سیاست تک فرزندی باید زودتر از این انجام می‌گرفت (سایت خبرآنلاین، ۱۴۰۱).

بررسی سیاست‌های تشویقی برای افزایش جمعیت در کشورهای فوق، نشان دهنده حمایت‌های جدی دولت و بستر سازی مناسب و همچنین اطمینان دادن به مردم برای افزایش نسل است؛ به طوری که بُعد اقتصادی در تمامی این مشوق‌ها، برجستگی خاصی دارد. در مقایسه با اقدامات انجام شده توسط کشورهای اروپایی برای مقابله با معضل کاهش جمعیت که هنوز این جوامع را تهدید می‌کند، وعده‌های تشویقی مورد اشاره پیشین و نیز در ادامه این نوشتار جهت ترغیب خانواده‌های ایرانی به افزایش فرزندآوری - در صورت عملی شدن -، نوعی مزاح تلقی می‌شود. از این رو لازم است مسئولین در جمهوری اسلامی ایران، علاوه بر کار فرهنگی برای افزایش نسل، بسترهای لازم و همچنین مشکلات اقتصادی خانواده‌ها و همچنین معضلات ازدواج جوانان را برطرف نموده تا خانواده‌ها برای افزایش نسل و جوانان برای ازدواج، فارغ از دغدغه‌های اقتصادی و اجتماعی و ... به این مسئله تشویق شوند تا هرم سنی کشور در حالت تعادل قرار بگیرد.

حفظ توان دفاعی هوشمند کشور در تاکیدات مقام معظم رهبری بر افزایش جمعیت

دفاع و امنیت یکی از حوزه های مهم و حیاتی برای همه دولت ها بوده و پیشرفت و روزآمدی آن نیازمند توجه به مؤلفه های تأثیرگذار و تأثیرپذیر از آن است. ورود مهاجران خارجی از کشورهای افغانستان و عراق به ایران که در اثر بحران های منطقه ای ناگزیر به ترک موطن خود شده اند، حساسیت تقویت بنیه دفاعی کشور را در راستای صیانت از ام القرای جهان اسلام دو چندان می سازد. از آنجا که تهدیدهای دشمنان در عصر حاضر، ماهیتی پیچیده، پیدا کرده است، برای مقابله با چنین دشمنانی که الگوهای گذشته خود را تغییر داده اند، تحول در الگوهای دفاعی پیشین کشور نیز اجتناب ناپذیر می باشد. اتخاذ راهبرد بازدارندگی در تعامل واحدهای سیاسی با دیگر واحدهای نظام بین الملل، از جمله این تحولات در عرصه استراتژی دفاعی است. راهبرد بازدارندگی و محدوده آن به عنوان اصلی ترین ملاحظه ها در تعیین حدود و عملکرد دفاعی و همچنین راهبردهای نظامی و دفاعی، مورد توجه قرار می گیرد. توماس شلینگ اعتقاد دارد بازدارندگی یعنی پیش بینی و جلوگیری از خشونت، بنابراین هدف از بازدارندگی به کارگیری ابزاری است که پیش از ورود به یک جنگ گرم، تلاش می کند تا با برشمردن تهدیدهای ناشی از آن به تعدیل مسأله بتواند کمک کند. (شلینگ، ۱۴۰۱: ۳۷) توان نظامی ایران همواره کارکردی دفاعی و بازدارنده داشته است که جهت دستیابی به منابع نظامی آن هم با توجه به تحریم های امریکا و رقابت های حساس منابع قدرت، هدایت شده که مهم ترین آنها سرمایه گذاری در حوزه تسلیحاتی و موشکی است. دستیابی به توان موشکی می تواند توان بازدارندگی را به تجاوزه های منطقه ای تضمین کند. در کنار قدرت سخت، بکارگیری ماهرانه عوامل نرم از جمله عامل روانی، می تواند در تقویت استراتژی بازدارندگی نقش بسزائی ایفا کند. این عوامل که مستقیماً اراده دشمن را هدف قرار می دهند، می توانند کمبود تجهیزات یا دیگر کاستی ها را جبران کنند. با توجه به موارد مذکور، ایران می تواند با تکیه بر توانمندی های بالقوه و بالفعل خود و از جمله عنصر جمعیت، تکوین بسیاری تهدیدات امنیتی را برای دشمنان بسیار سنگین سازد.

به باور بسیاری از اندیشمندان علوم سیاسی و جغرافیای سیاسی و جمعیت شناسی، افزون بر سایر مؤلفه ها مانند توان نظامی، وسعت زمین، میزان منابع طبیعی و داشتن برنامه های استراتژیک

و راهبردی، جمعیت هر کشور (با توجه به حجم، ساخت و توزیع سنی و جغرافیایی) یکی از مؤلفه های ساختار قدرت آن کشور به شمار می رود.

جمعیت از نظر حجم، ساخت، ترکیب و پراکندگی یکی از مؤلفه های قدرت ملی است. تهدیدهای کاهش جمعیت و آثار آن بر امنیت ملی و تأمین نیروی انسانی یکی از فاکتورهای کلیدی در تولید اقتدار و قدرت ملی و استحکام ساخت درونی قدرت نظام است. اینکه چه حجم از جمعیت با چه ساختار و توزیع سنی، جنسی، پراکندگی و کیفیت اقتدارآور است؟ به لحاظ نظری، جمعیتی می تواند اقتدارآور و پویا باشد که حداقل ویژگی های زیر را داشته باشد:

الف) دارای ساخت سنی جوان (یا دست کم میان سال)؛

ب) دارای میزان باروری مناسب و پویا (دارای حداقل میزان جانشینی)؛

ج) نیروی انسانی ماهر و متخصص مورد نیاز.

حفظ ترکیب و ساختار مطلوب جمعیتی یکی از عوامل مهم اقتدار و امنیت پایدار است و امنیت پایدار هر منطقه ای به قدرتمندی آن بستگی دارد. این قدرتمندی به جمعیت جوان، توزیع و ترکیب مناسب و دارای تخصص و مهارت برمی گردد و از مدیریت و هدایت و اعمال سیاست جمعیتی مناسب برای حفظ توانمندی و بهره وری از شرایط محیطی و انسانی برخوردار است. بنابراین تنها جمعیتی عامل اقتدار و امنیت منطقه محسوب می شود که ساخت و ترکیب و توزیع مناسب و جوان و سرمایه انسانی مناسب و پویا داشته باشد. جامعه ای که در سطح بین المللی دارای جمعیت بیشتر و جوانتری است، می تواند با برخورداری از ارتش و قدرت نظامی قویتری با تهدیدات احتمالی به مقابله برخیزد؛ زیرا در جنگ های مدرن امروز، تغییرات کمی و کیفی جمعیت به طور مستقیم و غیرمستقیم بر نیروهای مسلح در حوزه مدیریت سرمایه های انسانی و معماری ساختارهای نظامی از نظر ترکیب و بافت نیروی انسانی، تأثیر خواهد گذاشت. (خبرگزاری صدا و سیما، ۱۳۹۶/۹/۲)

با توجه به هژمونی نظام سرمایه داری و نظام سلطه، به رغم اعمال بی سابقه ترین محاصره اقتصادی و دارویی علیه جمهوری اسلامی بعد از انقلاب، هرگز وقفه ای در برنامه های کنترل باروری از سوی بخش جمعیت سازمان ملل و بانک جهانی و نهادهای مشابه در سیاست کنترل جمعیت و لوازم پیشگیری از بارداری اتفاق نیفتاده است. پروفیسور ژاکلین کاسون (کتابی، ۱۳۸۸:

۲۲۴) طی بررسی خود نشان می‌دهد که کنترل جمعیت جهانی کاملاً منطبق بر پارامترهای دکترین نظامی و یک جنگ تمام عیار است. این معنا هنگامی تقویت می‌شود که بدانیم کنترل جمعیت جهانی یکی از پروژه‌های شورای امنیت ملی آمریکا بوده است. طی دهه ۱۹۷۰ در زمان هنری کیسینجر، مشاور امنیت ملی رئیس جمهور وقت، پروژه مطالعاتی درباره تأثیر روند رشد جمعیت جهانی بر امنیت ملی آمریکا انجام شد. این پروژه که NSSM¹200 نام گرفت، روند فزاینده رشد جمعیت جهانی را برخلاف امنیت ملی آمریکا دانسته و با تشریح استراتژی آمریکا درباره جمعیت جهانی، سیاست‌ها، راهکارها، چگونگی همکاری سازمان‌های بین‌المللی و روش ترغیب و اقناع رهبران کشورهای مد نظر برای کاهش روند رشد جمعیت را تبیین می‌کند (گردنر، ۱۳۸۸: ۳۰۹).

همان گونه که پیش از این گذشت، ایجاد تغییرات و اعمال سیاست‌های جمعیتی مستلزم تغییر مداوم در یک نسل جمعیتی است که دست کم سه دهه به طول می‌انجامد، غفلت از آن خسارات جبران‌ناپذیری خواهد داشت و عدم توجه به تغییرات ساختار و بافت جمعیتی کشور و فقدان واپایش تحولات آن، موجب برهم خوردن تعادل جمعیتی خواهد شد و ضمن اینکه تحقق اهداف و منافع ملی در حوزه‌های دفاعی امنیتی را با چالش جدی مواجه می‌کند و در نتیجه، می‌تواند موجب برهم خوردن تعادل دفاعی امنیتی کشور گردد.

رهبر معظم انقلاب با علم به پشتوانه دفاع میلیونی ملت ایثارگر ایران در قالب بسیج به عنوان مزیت و امتیاز منحصر به فرد نیروهای مسلح جمهوری اسلامی که نقش مهمی در استحکام و اقتدار نیروهای نظامی و انتظامی دارد و دلاوری‌های آنان در کارنامه درخشان پیروزی‌های نبرد هشت سال دفاع مقدس، نقش مهم عامل جمعیت در عرصه دفاع را مورد تأکید قرار داده‌اند: «مسئله جمعیت تأثیر زیادی دارد در اقتدار ملی و افزایش نسل جوان و بزرگ بودن کشور از لحاظ جمعیت، خیلی تأثیر دارد در ایجاد اقتدار». (بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۳/۶/۱۳)

نیروی انسانی فعال، پیشران موتور کشور در مسیر رشد و توسعه به حساب می‌آید و پیشرفت و تعالی کشور بدون وجود این مؤلفه میسر نخواهد بود. ۱۵ تا ۶۴ سال، سنی است که عمده فعالیت‌های مهم آدمی در این سنین انجام می‌شود و این بازه سنی به اصطلاح، سنین فعالیت در نظر

گرفته می‌شود. همچنین جامعه‌ای که ۷۰ درصد جمعیت آن در سنین فعالیت باشد، در پنجره جمعیتی خود قرار دارد. قرار گرفتن در پنجره جمعیتی یکی از نقاط عطف و سرنوشت‌ساز هر جامعه محسوب می‌شود؛ چرا که بسیاری از تغییرات عمده و پیشرفت‌های بزرگ جوامع مختلف پس از دوره‌های پنجره جمعیتی آنان رخ داده است. توسعه اقتصادی کشورهای بزرگی مانند ژاپن، درست زمانی رخ داد که بیش از ۷۰ درصد جمعیت آن را نیروی انسانی فعال تشکیل می‌داد. فلذا می‌توان دریافت که داشتن جامعه‌ای جوان، تأثیر بسزایی در آینده هر کشور دارد.

مقام معظم رهبری طی سخنان خود در اجتماع بزرگ مردم بجنورد در ۱۹ مهر سال ۹۱، ضمن توجه به این واقعیت صادقانه بر اشتباه بودن ادامه سیاست‌های تحدید نسل پس از دهه‌ی ۷۰ و خطر پیر شدن جمعیت و همچنین اهمیت حفظ جوانی نسل به منظور تحقق پیشرفت طی سال‌های آینده، تاکید کردند:

“یکی از خطاهائی که خود ما کردیم (بنده خودم هم در این خطا سهیمم) این مسئله‌ی تحدید نسل از اواسط دهه‌ی ۷۰ به این طرف باید متوقف می‌شد. البته اولی که سیاست تحدید نسل اتخاذ شد، خوب بود، لازم بود، لیکن از اواسط دهه‌ی ۷۰ باید متوقف می‌شد. این را متوقف نکردیم؛ این اشتباه بود. عرض کردم؛ مسئولین کشور در این اشتباه سهیمند، خود بنده‌ی حقیر هم در این اشتباه سهیمم. این را خدای متعال و تاریخ باید بر ما ببخشد.

نسل جوان را باید حفظ کرد. با این روند کنونی اگر ما پیش برویم (من چندی پیش هم در ماه رمضان در سخنرانی گفتم) کشور پیر خواهد شد. خانواده‌ها، جوان‌ها باید تولید مثل را زیاد کنند؛ نسل را افزایش دهند. این محدود کردن فرزندان در خانه‌ها، به این شکلی که امروز هست، خطاست. این نسل جوانی که امروز ما داریم، اگر در ۱۰ سال آینده، ۲۰ سال آینده و در دوره‌ها و مرحله‌های آینده این کشور بتوانیم آن را حفظ کنیم، همه مشکلات کشور را این‌ها حل می‌کنند؛ با آن آمادگی، با آن نشاط، با آن شوقی که در نسل جوان هست و با استعدادی که در ایرانی وجود دارد. پس ما مشکل اساسی برای پیشرفت نداریم.”

بر اساس تجربه سایر کشورها (که پیش از این مرور شد)، کسب نتیجه از اجرای طرح‌های افزایش جمعیت زمانی طولانی را می‌طلبد و با توجه به آنکه حتی در صورت اجرای عالی‌ترین راهکارهای عملی در جهت افزایش جمعیت، نتایج به‌آرامی و بسیار نامحسوس آشکار خواهد شد؛

اما در کشورمان با وجود هشدار صریح مقام معظم رهبری به عنوان عالی‌ترین مقام کشور در خصوص لزوم تجدیدنظر در سیاست کنترل جمعیت، متأسفانه شاهد اقدامی عملی از سوی نهادها و دستگاه‌های ذی‌ربط نبوده‌ایم و این در حالیست که پیش از این و در راستای اجرای سیاست‌های کنترل جمعیت که به مدت بیش از ۲۰ سال از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۱ به صورت منسجم و سازمان‌یافته به اجرا درآمد، تمام توان و امکانات ارکان‌های مختلف نظام در راستای عملی شدن سیاست تحدید نسل و کنترل جمعیت به کار گرفته شد؛ به طوری که وزارت بهداشت و درمان به عنوان مسئول اصلی اجرای این سیاست، برنامه مدونی را با حمایت‌های مالی سازمان بهداشت جهانی و منابع مالی گسترده داخلی و خارجی برای کاهش جمعیت کشور به اجرا گذاشت.

در اثر ادامه سیاست‌های غلط تحدید نسل و کم‌کاری مسئولان، خطر پیری نسل و از دست‌رفتن نیروی جوانی، اقتصاد، قدرت سیاسی - ملی و استقلال آینده ایرانی را که ما و فرزندانمان در آن زندگی خواهیم کرد، تهدید می‌کند. از این رو ترغیب والدین به افزایش زاد و ولد، سیاست‌های تشویقی قابل توجهی را می‌طلبد که شاید بتواند بخشی از بار هزینه‌ها را از دوش سرپرستان خانواده برداشت تا شاید والدین فارغ از دغدغه‌هایی از این دست، به افزایش تعداد فرزندان خود راغب شوند. آخرین اصلاحیه اخیر قانون تنظیم خانواده در ایران برای افزایش جمعیت شامل حمایت از خانواده با سیاست‌های تشویقی مانند افزایش مرخصی زایمان برای مادران به ۹ ماه و مرخصی برای همسر به مدت دو هفته را به همراه داشته است. این قانون به مادرانی که سن فرزند آنان به ۹ ماهگی نرسیده است، تسری می‌یابد و مادر می‌تواند تا سن ۹ ماهگی نوزاد از مرخصی زایمان استفاده کند.

نظر به تدابیر راهبردی دیگر کشورها به منظور افزایش جمعیت که در بخش قبل مرور گردید، انتقاد رهبر انقلاب از برخی بی‌توجهی‌های مسئولین در باره اتخاذ تمهیدات لازم به منظور افزایش جمعیت، کاملاً موجه و منطقی می‌نماید: "امروز در دنیا آن کشورهایی که جمعیت‌های زیادی دارند، به برکت آن به خیلی امکانات دست یافته‌اند؛ چین یک نمونه است، هند یک نمونه است؛ با اینکه مشکلاتی هم دارند اما در عین حال خود این جمعیت زیاد به عنوان یک ارزش اجتماعی، ارزش سیاسی، یک ارزش بین‌المللی برای آنها توانسته موفقیت‌هایی را به وجود بیاورد.

بنابر این نسل باید افزایش پیدا کند؛ اینکه من تکرار میکنم، تأکید میکنم، به خاطر این است.“ (بیانات در دیدار جمعی از زوج‌های جوان، ۱۳۹۸/۱/۶)

جمعیت یکی از مولفه‌های اصلی امنیت و قدرت در هر جامعه‌ای است که بر اساس آن از قدیم کشوری موفق بوده و می‌توانسته بر کشور دیگر برتری یابد که توان دفاعی بیشتری داشته باشد. در مباحث نظامی، جمعیت یکی از مسائل مهم بوده و یکی از عوامل موثر در قدرت دفاعی در نظر گرفته می‌شده است. ارتباط جمعیت با مفهوم قدرت از آنجا آمده است. به طور طبیعی اگر کشوری جمعیت بیشتر داشته باشد، می‌تواند احساس قدرت بیشتری بکند. به عنوان نمونه آمریکا یکی از کشورهایی بوده که در قرن هجدهم جمعیت محدودی داشته، ولی در طول دو قرن اخیر تبدیل به جمعیت بزرگی شده که تعداد آن از مجموع چند کشور اروپایی هم بیشتر است.

با عنایت به این واقعیت است که مقام معظم رهبری طی بیانات‌شان در نخستین روز سال ۹۷ در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، به تفصیل به موضوع ضرورت افزایش جمعیت و خطرات ناشی از کاهش جمعیت اشاره کردند و فرمودند: «یکی از امکانات و ظرفیت‌های مهم، موج جمعیتی است که بعضی‌ها مخالفند. بعضی‌ها میگویند «جمعیت کشور چرا باید این تعداد باشد و چرا باید بیشتر بشود؟» این خطا است. هشتاد میلیون جمعیت در یک کشور، آبرو برای این کشور است؛ این سیاست غربی‌ها یعنی سیاست تحدید نسل، امروز گریبان خود آن‌ها را گرفته است و دارد بیچاره‌شان می‌کند؛ می‌خواهند کشورهای اسلامی از جمعیت‌های زیاد و جوان‌های فعال و انسان‌های کارآمد برخوردار نباشند. اینکه من اصرار می‌کنم که حتماً بایستی تکثیر نسل بشود و خانواده‌ها باید فرزندان بشوند برای این است که فردای این کشور به همین جوان‌ها احتیاج دارد و جوان و نیروی انسانی چیزی نیست که انسان بتواند از خارج وارد کند؛ بایستی خود کشور آن را تأمین بکند. این موج جمعیتی یکی از امکانات است.»

معظم‌له در بخش دیگری از همان بیانات‌شان فرمودند: «ما چند سال قبل در سخنرانی، در جلسات خصوصی با مسئولین گفتیم که موانع تولید نسل را بردارید؛ مسئولین هم قبول کردند، حرف ما را تصدیق کردند، منتها در مدیریت‌های میانی متأسفانه موانعی وجود دارد؛ آن‌چنان که باید و شاید به این نسخه‌ی اسلامی که «تَنَاقَحُوا تَنَاسَلُوا تَكْتُمُوا فَأَنْتُمْ أُولَئِكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» عمل نمی‌کنند، اما به نسخه‌ی غربی عمل می‌کنند! این یکی از موانع پیشرفت ما است.»

ایران در حال حاضر در دوران پنجره جمعیتی قرار دارد، یعنی دو سوم جمعیت در سنین فعالیت (۶۴-۱۵ سال) هستند و پتانسیل اشتغال، تولید، ذخیره و سرمایه گذاری را دارند. بهره‌مندی از فرصت‌های بدست آمده در دوران طلائی جمعیت می‌تواند به افزایش سود و سرمایه جمعیتی منجر شود، و در دوران سالمندی نیز سود دوم جمعیتی حاصل شود. در غیر این صورت با توجه به کمبود نیروی کار در دوران سالخوردگی، همراه با شرایط ویژه سالمندان و هزینه‌های مورد نیاز برای مراقبت از آنان، کشور در دهه‌های آینده با چالش‌های اساسی روبرو خواهد بود. رهبر انقلاب در آذرماه سال ۹۲ طی دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، با واقع‌نگری در این خصوص اظهار می‌دارند: «مسئله‌ی جمعیت یکی از خطراتی که وقتی انسان درست به عمق آن فکر می‌کند، تن او می‌لرزد... مسئله‌ی جمعیت را جدی بگیرد؛ جمعیت جوان کشور دارد کاهش پیدا می‌کند. یک جایی خواهیم رسید که دیگر قابل علاج نیست. یعنی مسئله‌ی جمعیت از آن مسائلی نیست که بگوییم حالا ده سال دیگر فکر می‌کنیم؛ نه، اگر چند سال بگذرد، وقتی نسل‌ها پیر شدند، دیگر قابل علاج نیست.»

دغدغه ایشان نسبت به روند کاهش جمعیتی ایران اسلامی نشان از این دارد که بی‌توجهی به این مهم می‌تواند مشکلات بزرگ امنیتی، اقتصادی و فرهنگی برای پیشرفت نظام اسلامی به بار آورد. معمولاً کشورهای توسعه‌نیافته یا در حال توسعه پرجمعیت و جوان‌اند و بعد از رسیدن به مرزهای توسعه، به بحران کاهش جمعیت فعال و سالمندی دچار می‌شوند. این در حالیست که تحقق اهداف چشم‌انداز ۱۴۰۴ در گرو تقویت زیرساخت‌های جمعیتی است. با وجود حدود ۵ میلیون نفر سالمند در حال حاضر که حدود ۷,۳ درصد جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند، پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است تا ۴۰ سال آینده حدود ۲۴ درصد از جمعیت کشور ما سالمند باشند که این میزان یعنی یک نفر از هر ۴ نفر جمعیت کشور بالای ۶۰ سال خواهند داشت. همچنین با توجه به این که ایران از نظر نرخ رشد جمعیت در میان ۲۶ کشور منطقه، رتبه ۲۳ و از نظر نرخ باروری نیز، رتبه ۲۵ را در سال ۲۰۱۰ میلادی داشته‌است، به جا بودن نگرانی عمیق رهبری از این موضوع کاملاً هویدا می‌گردد.

اهمیت این موضوع و نقش آن در ساختار دفاعی-امنیتی کشور به گونه‌ای است که رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) در متن ابلاغی به رؤسای قوای سه‌گانه فرموده‌اند: «با در نظر داشتن

نقش ایجابی عامل جمعیت در پیشرفت کشور، لازم است برنامه‌ریزی‌های جامع برای رشد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور متناسب با سیاست‌های جمعیتی انجام گیرد. همچنین ضروری است با هماهنگی و تقسیم کار بین ارکان نظام و دستگاه‌های ذی ربط در این زمینه، اقدامات لازم با دقت، سرعت و قوت صورت گیرد و نتایج رصد مستمر اجرای سیاست‌ها، گزارش شود.» (امام خامنه‌ای، ابلاغ سیاست‌های کلی جمعیت به رؤسای قوای سه‌گانه و مجمع تشخیص مصلحت نظام، مورخ ۱۳۹۳/۲/۳۰)

نظر به عقلانی و پسندیده بودن امر دفاع از ارزش‌ها و دستاوردهای انقلاب اسلامی، از آنجا که جمعیت فعال هر کشور عاملی تعیین‌کننده در معاملات قدرت محسوب می‌شود، کاهش جمعیت در آینده می‌تواند کشور را در مقابله با نیات شوم قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی دچار مشکل کند. در مورد چگونگی و شیوه دفاع از ارزش‌های معنوی، آموزه‌های دینی و اعتقادی، منویات رهبری معظم انقلاب راهنما و هدایت‌گر جامعه می‌باشد. مقام معظم رهبری در این باره فرموده‌اند: «دفاع جزئی از هویت یک ملت زنده است. هر ملتی که نتواند از خود دفاع بکند، زنده نیست. هر ملتی هم که به فکر دفاع از خود نباشد و خود را آماده نکند، در واقع زنده نیست. هر ملتی هم که اهمیت دفاع را درک نکند، به یک معنا زنده نیست. (بنابراین) ما دفاع مشروع را حق خود می‌دانیم. (چرا که) تنها چیزی که می‌تواند کشور ایران و نظام اسلامی را حفظ کند، استحکام داخلی و عزم جزم بر دفاع مشروع و منطقی است.» (بیانات رهبری؛ ۱۳۸۶/۸/۲۹)

«ما به فضل پروردگار مشکلات را برطرف می‌کنیم و می‌توانیم دشمن را سر جای خود نشانیم. دشمن هر چه هم از لحاظ ابزار نظامی قوی باشد، در مقابل یک ملت منسجم و مؤمن و دارای امید به آینده، هیچ غلطی نمیتواند بکند.» (بیانات رهبری، ۱۳۸۱/۳/۱)

«مگر تصور می‌شد که کوچک و بزرگ ملتی تنها، بدون هیچ پشتوانه جهانی و بدون هیچ کمک قابل ذکر از سوی هیچ گوشه‌ای از قدرت‌های عالم بتواند این گونه در میدان جهاد مقدس و دفاع از خود و سازندگی و استقلال و مبارزه با همه نوع فشارهای دشمنان قلدر ایستادگی کند و روز به روز دشمنان را متعجب‌تر نماید؟ مگر ممکن بود که بدون این گذشت‌ها و این ایثارها و این فداکاری‌ها، ما به این جا برسیم؟!» (بیانات رهبری؛ ۱۳۷۹/۵/۲۹)

با توجه به این نکته اساسی که «یکی از عناصر وجودی هر دولت، مردم‌اند» (میرحیدر، ۱۳۷۱: ۱۰۵)، باید گذشته از توانمندی‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ... سپاه و ارتش و کلاً نیروهای نظامی و انتظامی به تناسب محدوده فعالیت و فضای کاری و اهداف ملی و بین‌المللی از نظر افراد کافی و مجهز به دانش روز و بینش وسیع، همراه با ابزار و ادوات لازم باشند. بر اساس همین واقعیت رهبر معظم انقلاب اسلامی با تأکید بر قدرت درون‌ساز از طریق وحدت ملی، مشارکت عمومی و غیره، خواهان افزایش توان دفاعی برای تأمین امنیت در مقابله با تهدیدات احتمالی فوق هستند. به باور ایشان، امنیت جزو اساسی نیازهای یک ملت بوده و برآیند شرایط امن، پیشرفت و بالندگی کشور است.

رهبر معظم انقلاب با در نظر داشتن تغییر نوع تهدیدات و تهدیدهای نوظهور متوجه امنیت، ضمن تقسیم‌بندی قدرت به دو بخش قدرت مادی و قدرت معنوی، معتقدند: «منطق مادی قدرت را در ابزارها و وسایل مشاهده می‌کند. قدرت مادی از اخلاق بویی نبرده است و برای حق و ارزش‌های حقانی به کار گرفته نمی‌شود. مجموعه‌ای که برای حق و ارزش‌های حقانی تلاش می‌کند، از قدرت به شکل حیوانی استفاده نمی‌کند، ظلم نمی‌کند، استکبار نمی‌ورزد، انسان‌ها را تحقیر نمی‌کند، به سرزمین دیگران تجاوز نمی‌کند... این اخلاق، قدرت معنوی است.» (بیانات رهبری، ۱۳۸۲/۴/۲۹)

بدیهی است با وجود رابطه تنگاتنگ جمعیت به عنوان عامل نرم و قدرت به مثابه سخت‌افزار، چنانچه مسئولین کشور با استفاده از تجربه جهانی، روی جمعیت به عنوان پتانسیل قدرت برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری کنند، بهداشت و تحصیلات را توسعه دهند و به شکلی عمل کنند که با رشد معقول و مستمر همراه باشد، چنین جمعیتی می‌تواند پشتوانه محکمی برای قدرت دفاعی کشور شود. اما اگر چرخه‌های آموزشی، اقتصادی و بهداشتی با هم درگیر نشوند، چرخ قدرت نیز حرکت نمی‌کند. باید قدرت را به صورت سیستمی نگریست تا زیر سیستم‌های آن به صورت همگون و هماهنگ حرکت کنند.

نتیجه‌گیری

تحولات ساختار و ترکیب جمعیت، در طول زمان هرگونه سیاست و برنامه‌ریزی ملی در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، دفاعی - امنیتی و زیست محیطی را تحت تأثیر قرار

می‌دهد. برهم خوردن تعادل جمعیتی و کاهش شمار جوانان که بی‌تردید منجر به ایجاد ضعف در نیروی دفاعی هر کشور می‌شود، جایگاه ایران به عنوان یک کشور شیعی را نیز تضعیف و مخاطرات سیاسی و امنیتی را تشدید می‌نماید. مقام معظم رهبری با آگاهی کامل نسبت به چنین پیامدهای سوئی، در راستای پی‌ریزی سیستم دفاعی اثربخش‌تر، کارآمدتر و انعطاف‌پذیرتر موثر در تقویت نیروی بازدارنده تهاجم دشمنان که مصداق بارز دفاع هوشمند است، تلفیق قدرت نرم از رهگذر عواملی همچون افزایش جمعیت چونان پشتیبانی کارآمد برای تامین قدرت سخت یعنی قدرت دفاعی کشور را ضروری تشخیص دادند. هزینه‌کرد مبالغ هنگفت در قالب وام‌های کلان نهادهای بین‌المللی که همواره طی سال‌های گذشته با هدف ایجاد مشکلات اقتصادی برای نظام و ملت ایران از هیچ اقدامی برای تحریم بیشتر و فشار معیشتی به ملت ایران دریغ نداشته‌اند، به منظور اجرای سیاست کنترل جمعیت خود گواه روشنی بر صحت تاکید برعامل نرم جمعیت در استراتژی دفاعی مقام معظم رهبری است.

بر این اساس و به منظور تحکیم هر چه بیشتر پایه‌های استراتژی مذکور، باید سیاست‌های کلی جمعیت در حمایت‌های جامع و مستمر برای تسهیل «ازدواج بهنگام»، تشکیل و تحکیم خانواده و افزایش باروری در کشور که مستلزم برنامه ریزی جامع همراه با تلاش پیگیر و مستمر است، با جدیت دنبال شود و در هر شرایطی، ضرورت اجرای برنامه‌های حمایتی برای افزایش فرزندآوری در آینده، مغفول نماند. حتی اگر تاثیر سیاست‌ها بر افزایش باروری ناچیز باشد، باید در نظر داشت که ارائه حمایت‌های رسمی و غیررسمی، حداقل از کاهش بیشتر باروری و رشد کاهنده جمعیت در آینده پیشگیری می‌کند.

در ضمن با توجه به اینکه سیاست‌ها و برنامه‌های جمعیتی در کوتاه مدت به هدف نمی‌رسند، انعطاف‌پذیری، بازنگری و تداوم اجرای برنامه‌ها در موفقیت آنها موثر خواهد بود و فقط با همکاری بین‌بخشی، تعهد و وفاق ملی توأم با شناخت تحولات جمعیتی و ارائه برنامه‌های حمایتی پایدار (با استفاده از تجربه موفق دیگر کشورها) می‌توان به اهداف و منویات رهبری در این خصوص، جامه عمل پوشاند.

فهرست منابع

- اعظمی، هادی، (۱۳۷۶) وزن ژئوپلیتیکی و نظام قدرت منطقه ای، فصلنامه ژئوپلیتیک، دوره دوم، شماره سوم و چهارم، (پائیز و زمستان). صص ۱۵۴-۱۱۹
- برژنسکی، زیگنیو (۱۳۹۲) بینش استراتژیک، ترجمه علی بهروز. تهران: انتشارات صمدیه
- بگی، میلاد؛ صادقی، رسول؛ حاتمی، علی (۱۴۰۰) تمایل به فرزندآوری در ایران: تعیین‌کننده‌ها و محدودیت‌ها. فصلنامه مطالعات راهبرد فرهنگ، دوره ۱. شماره ۴ (اسفند) ۸۰-۵۹
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۷۴) اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، چاپ اول، مشهد: انتشارات پاپلی
- خاتونی و وطن‌خواه (۱۳۹۲) ارزیابی جایگاه جمعیت جوان در ساخت قدرت ملی با تاکید بر ج. ا. ایران. مجموعه مقالات کنگره پیشگامان پیشرفت
- خامنه‌ای، سید علی (رهبر معظم انقلاب اسلامی) بیانات. پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری. <http://www.khamenei.ir>
- خبرگزاری فارس نیوز «پرچم اقتدار بر بلندای شانه‌های جمعیت»؛ <https://www.farsnews.com/news/۱۳۹۳۰۷۲۰۰۱۰۲۷>
- خبرگزاری صدا و سیما، ۱۳۹۶/۹/۲ نقش جمعیت در اقتدار ملی <http://www.iribnews.ir/fa/news/۱۹۱۲۳۲۵>
- خبرگزاری فارس، ۱۳۸۸/۱۲/۱۵ برژینسکی: آمریکا با اندیشه تغییر رژیم ایران خود را فریب ندهد. <https://www.farsnews.ir/news/8812150226%20%20%20%20>
- خواججه پور، جواد (۱۳۸۶) مثلث سلطه: ابعاد و اهداف در میدان نبرد ناتوی فرهنگی. تهران: سازمان عقیدتی سیاسی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح
- روشندل، جلیل (۱۳۷۴) امنیت ملی و نظام بین‌المللی. تهران: سمت
- ساعد، نادر؛ علیدوستی، قاسم (۱۳۹۰)، دیپلماسی دفاعی تطبیقی و ترسیم سازواره الگوی مدیریت آن در جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال نهم، شماره ۳۴. صص ۱۲۰-۸۵
- سایت خبری تسنیم، ۱۳۹۹/۸/۷. روسیه برای تولد فرزند سوم یک خانه به پدر و مادرها هدیه می‌دهد <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1399/08/07/2377875>
- سایت خبری خبرآنلاین ۱۴۰۱/۶/۲. مشوق های ۷ کشور برای حمایت از فرزندآوری/ «پاداش نوزاد» در جهان چقدر است؟ <https://www.khabaronline.ir/news/1665377>
- سوختانلو، زهرا و رحمت آبادی، اعظم (۱۳۸۹)؛ «تحدید نسل شیعه، تهدید جامعه ایران (علل کاهش جمعیت و پیامدهای آن)؛ معرفت؛ سال بیست و دوم، شماره ۱۸۹ (شهریور). صص ۵۸-۴۵
- شلینگ، توماس (۱۴۰۱)، تسلیحات و نفوذ، ترجمه غلامعلی چگنی زاده. تهران: ابرار معاصر
- صالح اصفهانی، اصغر؛ پدرام، عبدالرحیم؛ ریسی و انانی، رضا (۱۳۹۷) آینده پژوهی ساختار جمعیتی جمهوری اسلامی ایران از منظر دفاعی امنیتی تا افق ۱۴۳۰. پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی. دوره ۱۱. شماره ۴ (پیاپی ۴۴). صص ۳۲-۱
- عزتی، عزت‌الله (۱۳۸۱)، جغرافیای اقتصادی و سیاسی ایران، تهران: انتشارات نیروی زمینی ارتش
- عزتی، عزت‌الله (۱۳۷۷)، ژئوپولتیک، تهران: انتشارات سمت
- عسگر خانی، ابومحمد؛ حق شناس، محمدرضا (۱۳۹۰) تهدیدهای منطقه‌ای و راهبرد تسلیحاتی - امنیتی ج.ا. ایران. فصلنامه راهبرد دفاعی. دوره ۹. شماره ۳۳. صص ۹۹-۶۹

علیئی، محمد ولی (۱۳۹۴) نقش جمعیت و سیاست‌های جمعیتی در استحکام ساخت درونی قدرت نظام ج.ا. ایران. فصلنامه آفاق امنیت. سال هشتم. شماره ۲۸ (پائیز) صص ۱۳۳-۱۰۷
فروتن، یعقوب (۱۳۹۰) جمعیت، جنگ و قدرت: تجربه‌های جهانی و ایرانی. فصلنامه جمعیت. شماره ۷۵ و ۷۶. بهار و تابستان. صص ۲۰-۱

قاسمی، صالح «ایران، در انتظار سونامی سالمندی»؛ ۱۳۹۷/۱۲/۲۹. <https://saleh-ghasemi.ir>
کتابی، احمد (۱۳۸۸)، درآمدی بر اندیشه‌ها و نظریه‌های جمعیت‌شناسی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
گردنر، ویلیام (۱۳۸۸)، جنگ علیه خانواده، ترجمه معصومه محمدی، قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان استان قم
ناظمی اردکانی، مهدی (۱۳۹۳). «الگوی برآورد راهبرد توان دفاعی از بُعد نیروی انسانی». فصلنامه راهبردی دفاعی، سال دوازدهم، شماره چهل و هفتم (پاییز)، صص ۹۶-۷۱
میرحیدر (مهاجرانی)، دره، (۱۳۷۱)، مبانی جغرافیای سیاسی، تهران: انتشارات سمت
نوروزی، ام‌الله و تاج‌آبادی، حسین (۱۳۹۶) جایگاه قدرت هوشمند در سیاست دفاعی جمهوری اسلامی ایران. تهران: نشر نایاب
وضعیت نرخ باروری در ایران (۱۳۹۸) گزارش جامع. موسسه ملی تحقیقات سلامت جمهوری اسلامی ایران
هیر، دیوید. ام. (۱۳۸۰) جامعه و جمعیت: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی جمعیت، ترجمه یعقوب فروتن، چاپ اول، بابل‌سر: انتشارات دانشگاه مازندران

Henius, Jakob; and Jacopo Leone McDonald (2012). Smart Defense: A Critical Appraisal. NATO Defense College (NDC).
Jablonsky, D. (2004), Why is Strategy Difficult, in Boone Bartholomees (ed.), Guide to National Security Policy and Strategy, U.S Army War Collge
Reng, Jeppe Mariegaard (2012). Smart Defence - The Future of Cooperation Within Defence Policy. http://www.atlant.dk/media/9755/4629_sikpol_smart_defence_uk_web.pdf
Shea, T. (2005), Transforming Military Diplomacy, Joint Forces Quarterly, Issue 38.

